عیسی مسیح (ع) در قرآن

(تفسیر موضوعی المیزان)



به اهتمام : سید مهدی امین
با نظارت : دکتر محمد بیستونی

عیسی علیه السلام در قرآن کریم

مشخصات کتاب

سرشناسه : لواسانی، زهیر

عنوان و نام پدیدآور : عیسی علیه السلام در قرآن کریم =Jesus Christ (P.B.U.H) in Qur'an/ تالیف زهیر (رضا) لواسانی؛ با نظارت محمد بیستونی؛ با همکاری و کارشناسی اسدالله اسدی گرمارودی

مشخصات نشر : تهران: بیان جوان، 1383.

مشخصات ظاهری : 193 ص؛ 10 x14س م

فروست : (... سری کتابهای روش انس با قرآن)

شابک : 10000 ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : کتابنامه: ص 185 - 184؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع : عیسی مسیح در قرآن

موضوع : عیسی مسیح -- تفاسیر اسلامی

موضوع : مسیحیت در قرآن

شناسه افزوده : بیستونی، محمد، . - 1337

شناسه افزوده : اسدی گرمارودی، اسدالله، . - 1340

رده بندی کنگره : BP104/ع9 ل9 1383

رده بندی دیویی : 297/159

شماره کتابشناسی ملی : م 83-2216

ص:1

اشاره

عنوان: عیسی (ع) در قرآن کریم

مؤلف: سید زهیر (رضا) لواسانی با همکاری و کارشناسی: اسداللّه اسدی گرمارودی

با نظارت: دکتر محمد بیستونی مدیر اجرایی: علی اکبر هادی

ویراستاری و تایپ و صفحه آرایی: سهیلا شاکری، فاطمه سرزهی چاپ و صحافی: سلیمان زاده

نوبت و تاریخ چاپ: سوم،سال 1386 شمارگان: 1000 نسخه

ناشر: انتشارات بیان جوان شابک: 616 - 8399 - 964 ISBN

هرگونه نسخه برداری و چاپ از این کتاب به منظور توسعه فرهنگ قرآن کریم، با اخذ مجوز کتبی از مؤسسه قرآنی تفسیر جوان بلا مانع است.

نشانی: تهران خیابان پاسداران بالاتر از گلستان هشتم (خیابان شهید کاظمی) شماره 353 طبقه همکف واحد 4

تلفکس: 091210853222589626 Email: DR_M_ BISTOONI@FaraCo.com

ص:3

مقدمه

آلاِْهْداءِ

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَهِ الْمُصْطَفی وَ بَهْجَهِ قَلْبِهِ سَیِّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الاَئِمَّهِ التِّسْعَهِ الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ سِیَّما بَقِیَّهَ اللّهِ فِی الاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ الاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَهِ وَ الْمُدَّخِرِ لاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ، الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ الاَوْلِیاءَ وَ یا مُذِلَ الاَعْداءِ اَیُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الاَرْضِ وَ السَّماءِ قَدْ مَسَّنا وَ اَهْلَنَا الضُّرَّ فی غَیْبَتِکَ وَ فِراقِکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ

مُزْجاهٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَهِ رَحْمَهٍ مِنْکَ اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت آیه اللّه حاج سید مرتضی خاتمی در خصوص

«روش انس با قرآن» و تألیفات تفسیری جناب آقای دکتر محمد بیستونی

بسم اللّه الرحمن الرحیم

قرآن منشور هدایت، راهنمای جاوید، مبشر نور و برکت و «نسخه شفابخش» برای همه انسان ها می باشد. این نور روشنگر و ابر باران خیز و «نسیم معنوی و جانبخش حیات» باید به عمق جان و روح نفوذ نموده و با روش های صحیح و کارشناسی شده در متن زندگی و فعالیت های فردی و اجتماعی همه انسانها خصوصا «اهل قبله» قرارگیرد.

در همین راستا، فرزند معنوی و عزیزم جناب آقای «دکتر محمد بیستونی» که از عنفوان جوانی در خدمت «قرآن و مساجد» بوده است. در یک تلاش طاقت فرسا و منظم که بنده از 10 سال پیش، مستقیما در جریان آن قرار گرفتم «طرح جدید و دقیقی» را تحت عنوان «روش انس با قرآن» از طریق

«کارگاه آموزشی مفسّرین جوان» ابداع نموده است و کلیّه منابع تحقیقاتی آن را نیز شخصا تألیف کرده و همه آن ها را قبل از چاپ و نشر برای

«تصحیح لفظی و محتوایی و اعرابی» به رؤیت اینجانب رسانده است. بنده نیز با کمال دقت و حوصله تمامی آن ها را از اول تا آخر مطالعه و تصحیح نمودم.

تألیفات قرآنی جناب آقای دکتر محمد بیستونی که عموما در حوزه «تفسیر موضوعی و زنجیره ای قرآن کریم»

ص:5

می باشد، بسیار ساده و برای عموم مردم و متدیّنین خصوصا «نوجوانان و جوانان عزیز» کاملاً قابل استفاده بوده و می تواند تحوّل عظیمی را در «مؤانست نسل جوان با محتوای قرآن کریم» خصوصا در حوزه های علمیه و دانشگاهها و مراکز آموزشی و دولتی کشور به همراه داشته باشد.

از ویژگی های بارز تألیفات تفسیری ایشان، توجه به «تفسیر موضوعی و زنجیره ای (تفسیر قرآن با قرآن)» می باشد که در نوع خود بی نظیر است.

امیدوارم جوانان عزیز مسلمان در سراسر جهان وجود وی را غنیمت شمرده و از تألیفات قرآنی

ایشان که بحمداللّه اخیرا به زبانهای عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی نیز در دست چاپ و انتشار می باشد، حداکثر استفاده را بنمایند.

آرزو می کنم خداوند تبارک و تعالی به این برادر با ذوق و علاقمند به قرآن و مسائل جوانان توفیق ادامه مخلصانه چنین «تلاشهای مفید و مؤثر قرآنی» را بیش از پیش عنایت فرماید.

بتاریخ 2 / 7 / 1382 ه.ش

27 رجب المرجب 1424 ه.ق

مبعث رسول اکرم صلی الله علیه و آله

سید مرتضی خاتمی

پیش گفتار

این نوشتار مجموعه ای از آیات قرآن، پیرامون عیسی علیه السلام و مسیحیّت و تفسیرهای مرتبط با آن است که در آن از کتب تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، مخزن العرفان، عیسی در قرآن و انجیل استفاده شده است. مطالبی که از کتب تفسیر نقل شده است، عموما به طور خلاصه شده است.

خواننده پس از مطالعه این نوشتار با داستان عیسی و یارانش و صفات و وظایف او و از دیدگاه قرآن آشنا می شود، همچنین اعتقادات مهم مسیحیت و نظر قرآن در رابطه با آن را فرا می گیرد.

از آقای دکتر محمد بیستونی که با برنامه ریزی ایشان، این تحقیق به ثمر نشست،

ص:7

تشکر می کنم. هم چنین از پدرم که در انجام تحقیق و اصلاح آن، یاورم بودند

سپاسگزارم.

با امید به آن که با درک مفاهیم قرآن و الگوپذیری از فرستادگان و مقرّبان الهی، حیاتی توأم با خود آگاهی و حقیقت جویی داشته باشیم.

سید زهیر (رضا) لواسانی

مرداد 1382 تهران

ص:8

جدول آیاتی از قرآن که «مستقیما» پیرامون «عیسی» و «انحراف مسیحیت» است

ردیف شماره سوره نام سوره تعداد آیات مربوطه شماره آیات

(صفحه 10)

1: 2 البقره 3 / 87 - 136 - 253

2: 3 آل عمران 10 / 45 - 46 - 48 - 49 - 50 - 51 - 52 - 55 - 59 - 84

3: 4 النساء 5 / 157 - 158 - 163 - 171 - 172

4: 5 المائده 14 / 17 - 46 - 72 - 73 - 75 - 110 - 111 - 112 - 113 - 114 - 115 - 116 - 117 - 118

5: 6 الانعام 1 / 85

ردیف شماره سوره نام سوره تعداد آیات مربوطه شماره آیات

6: 9 التوبه 2 / 30 - 31

7: 19 مریم 10 / 19 - 21 - 29 - 30 - 31 - 32 - 33 - 34 - 35 - 36

8: 33 الاحزاب 1 / 7

9: 42 الشوری 1 / 13

10: 43 الزّخرف 5 / 57 - 59 - 61 - 63 - 64

11: 57 الحدید 1 / 27

12: 61 الصّف 2 / 614

مجموع 55

فصل1: داستان عیسی

الف بشارت به مریم

1 پسری پاکیزه در راه است

مریم دور از خانواده و قومش به سر می برد. اکنون او، تنهای تنها، خارج از شهر است. مردی را می بیند که به طرفش نزدیک می شود. مضطرب می شود و به او می گوید: اگر با تقوا هستی، از تو به خداوند مهربان پناه می برم. امّا آن مرد به قصد بدی پیش مریم نیامده بود، بلکه روحی از خدا بود که به صورت مردی ظاهر شده بود.(1) او باید پیام مهمی را به مریم می داد. سخنش را این چنین آغاز کرد:

*****

1- 17 و 18 / مریم.

«قالَ إِنَّما أَنَا رَسُولُ رَبِّکِ لِأَهَبَ لَکِ غُلاماً زَکِیًّا» (19 / مریم).

گفت: همانا من فرستاده پروردگارت هستم تا به تو پسری پاک و پاکیزه ببخشم.

مریم بسیار تعجّب می کند و می گوید: من چطور صاحب پسری شوم در حالی که هیچ بشری به من نزدیک نشده است و جزء بدکاران نیز نبوده ام. مرد می گوید: برای پروردگارت آسان است. پسرت برای مردم نشانه ای خواهد بود و رحمتی از طرف خداوند.(1)

آری! خداوند، این چنین مژده پسری را به مریم می دهد. همان پسری که افتخاری می شود برای مادرش. در جای دیگری از قرآن نیز، فرشتگان این بشارت را به مریم می دهند.

*****

1- 20 و 21 / مریم.

می دهند.

«إِذْ قالَتِ الْمَلائِكَهُ یا مَرْیَمُ إِنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُكِ بِكَلِمَهٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسیحُ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ» (45 / آل عمران).

هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه ای از جانب خودش بشارت می دهد که نامش مسیح عیسی پسر مریم است.

2 «کلمه» بودن عیسی

در آیه 45 سوره آل عمران، خداوند مریم را به کلمه ای بشارت می دهد.

«إِنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُكِ بِكَلِمَهٍ مِنْهُ» (45 / آل عمران).

همانا خداوند تو را به کلمه ای از جانب خودش بشارت می دهد.

ص:13

حال، این سؤال مطرح می شود که مراد از «کلمه» چیست؟ و چرا از

عیسی به «کلمه» نام برده شده است؟

تفسیر المیزان جواب این سؤال را این چنین می دهد.

چهار نظریه، در مورد مراد از «کلمه» وجود دارد. اوّل این که منظور از آن، مسیح است زیرا انبیاء گذشته او را بشارت دادند و در آیه 137 اعراف کلمه را به ظهور موسی اطلاق کرده است. در جواب باید گفت: قرآن عیسی را بشارت دهنده معرفی می کند و نه بشارت داده شده. پس این نظریه صحیح نیست.

نظریه دیگر این است که مراد از کلمه، عیسی است، زیرا منظور و مراد تورات را روشن می کند و تحریفات یهودیان را مشخص می کند امّا در این آیه قرائنی در این باره موجود نیست.

نظریه سوم این است که مراد از کلمه «بشارت» است یعنی خدا بشارت می دهد به بشارتی

ص:14

که تولّد عیسی است ولی چون در آیه «اسمه المسیح» آمده است مطابقت ندارد لذا

این نظریه نیز اشتباه است. اما نظریه آخر که قابل اعتماد است بیان می کند که مقصود از کلمه، عیسی است، زیرا عیسی، «کلمه ایجاد» است و به دنیا آمدن و موجودیت عیسی با تمام بشر متفاوت است و وجودش به وسیله کلمه «تکوین» صورت گرفته است، لذا نتیجه می گیریم که به واسطه تولّد استثنایی عیسی مراد از کلمه و منظور از واژه «کلمه» ، «کلمه ایجاد» است. (1)

تفسیر نمونه هم مطلبی مشابه تفسیر المیزان آورده است.

استفاده از «کلمه» در این آیه، به خاطر تولّد فوق العاده عیسی است. البتّه کلمه در

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 340 الی 342.

قرآن به معنی مخلوق نیز به کار می رود (در آیه 109 کهف مشخص شده است)، لذا

در اینجا نیز، فرشتگان می گویند: مریم! خداوند تو را به مخلوقی بشارت می دهد.(1)

در آیه دیگری از قرآن، کلمه بودن عیسی ذکر شده است.

«إِنَّمَا الْمَسيحُ عيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ أَلْقاها إِلى مَرْيَم» (171 / مریم)

فقط و فقط مسیح عیسی پسر مریم فرستاده خداست و کلمه او بر مریم افتاده است.

*****

ص:16

1- تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 2، ص 548.

3 معنی مسیح و عیسی

خداوند، نام کلمه بشارت داده شده را «مسیح» و «عیسی» ذکر می کند.

«اسْمُهُ الْمَسیحُ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ» (45 / آل عمران)

اسم او، مسیح، عیسی پسر مریم است.

حال، به بررسی واژه مسیح و علّت نام گذاری پسر مریم، به این نام از دو کتاب تفسیر می پردازیم.

مسیح یعنی «مسح کننده» و علّت نام گذاری عیسی به این نام یا به این خاطر است که به یمن و تبرک «مسح شده» و یا به تطهیر از گناهان مسح شده، یا به روغن زیتونی که انبیاء را با آن مسح می کردند و یا به جهت مسح نمودن چشم کور و شفا دادن آن و یا

ص:17

مسح نمودن موارد دیگر، همچنین این نام می تواند دربردارنده مبارک بودن او باشد (طبق آیه 31 / مریم). نام مسیح، همان «مشیحا» است که در کتب عهدین ذکر شده

است.(1)

مسیح به معنی «مسح کننده» یا «مسح شده» است که احتمالاً به خاطر دست کشیدن او به بیماران لاعلاج و شفا یافتن آن هاست و چون فقط او می توانست این کار را انجام دهد نام مسیح براي او انتخاب شد. همچنین انتخاب نام مسیح برای عیسی می تواند به این علّت باشد که خدا او را از گناه مسح کرد و پاک گردانید(2)

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 342 و 343.
2- تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 548 و 549.

در رابطه با واژه «عیسی» علامه طباطبایی معتقد است:

بعضی معتقدند اصل کلمه عیسی، «یشوع» بوده که به معنی «شخص

نجات دهنده» است و بعضی دیگر معتقدند به معنی «یعیش» است، زیرا نام فرزند زکریا «یحیی» است. تفسیر دوم مناسب تر است(1).

*****

ص:19

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 343.

ب تکلّم در گهواره

1 تکلّم در کهولت یعنی چه؟

«وَ یُکَلِّمُ النّاسَ فِی الْمَهْدِ وَ کَهْلاً» (46 / آل عمران)

و با مردم در گهواره صحبت می کند و در کهنسالی (نیز صحبت می کند).

کهلاً یعنی چه؟ و سخن گفتن عیسی در سنین کهولت چه ویژگی ای دارد که در این آیه ذکر شده است؟

ابتدا از نظر تفسیر نمونه به این سؤالات پاسخ می دهیم.

از سوره مریم می توان متوجه شد که عیسی در همان روزهای آغازین تولدش سخن می گوید که این معجزه ای بزرگ است. امّا سخن گفتن در کهولت می تواند به این مفهوم باشد که عیسی همانطور در مهد سخن می گوید که در سنین کهولت و

ص:20

بزرگسالی صحبت می کند. و یا به این معناست که عیسی از آغاز تولد تا سن کهولت سخن حق می گوید و به ارشاد مردم می پردازد. به علاوه می تواند تأییدی باشد بر رفتن او به آسمان و بازگشت او به میان مردم در زمان ظهور امام زمان. زیرا طبق تواریخ، حضرت عیسی 33 سال در میان مردم زندگی کرد(1)

با توجه به آیات 30 تا 33 سوره مریم (که سخنان عیسی در گهواره را ذکر کرده است) مشخص می شود که سخنان عیسی بسیار پخته است لذا به نظر می رسد که منظور از کهلاً این است که عیسی همانطور در گهواره سخن می گفت که در سن کهولت سخن می گوید. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان گفته است:

*****

1- تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 549 و 550.

استفاده از «کهلاً» در آیه نشان دهنده زندگی کردن عیسی تا زمان کهولت است. «کَهْلْ» کسی است که دوره جوانی اش تمام شده باشد و هنوز پیر نشده باشد. بعضی معتقدند سخن گفتن با مردم بعد از نزول او از آسمان است. در اناجیل مدّت اقامت او در زمین 33 سال است و بعضی معتقدند مدّت زندگی عیسی 64 سال بوده است. از «فی المهد و کهلاً» نتیجه می شود که انتهای عمر او سن کهولت است. سخن گفتن در گهواره، خیلی تعجّب برانگیز نیست، زیرا کودک 2 ساله ای که هنوز در گهواره است، کم و بیش می تواند صحبت کند، امّا ظاهر آیه می رساند که عیسی مانند آدم کامل و عاقل در گهواره سخن می گوید که این موضوع با آیه 31 مریم نیز تطابق دارد.(1)

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج3، ص344 الی 346.

2 مسیح، در گهواره چه می گوید؟

مریم، همراه پسرش در حال حرکت به سمت شهرش است. او شاید با خود می گوید که جواب تهمت های مردم را چه بدهد، که خداوند این سؤالش را این چنین پاسخ می دهد: اگر کسی را دیدی بگو روزه سکوت گرفته ام و امروز هرگز سخن نمی گویم. مریم که آرام گرفته است وارد شهر می شود. مردم، حیرت کنان به مریم و فرزندش که در آغوشش جای گرفته می نگرند و احتمالاً در این فکرند که مریم چگونه صاحب این پسر شده است. به او می گویند: ای خواهر هارون! پدر و مادر تو که بدکاره نبودند. مریم با اشاره به آن ها می فهماند که از خود نوزاد سؤال کنید. مردم که منظور مریم را فهمیده اند با تمسخر به او می گویند: چگونه با نوزادی که در گهواره

ص:23

است سخن گوییم؟(1) در این حین، ناگهان نوزاد شروع به سخن می کند. با سخن گفتنش حقایق را روشن و مخالفین مریم را خاموش می کند. گویی تمامی غصّه های مریم به شادی تبدیل می شود. چهره به ظاهر مؤمن مخالفین مریم، وحشت زده می شود. مسیح این گونه با سخن گفتنش مریم را شادمان و معارف الهی را بیان می کند:

«قالَ إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ آتانِیَ الْکِتابَ وَ جَعَلَنی نَبِیًّا» (30 / مریم)

گفت: همانا من بنده خدا هستم. او به من کتاب داده است و مرا پیامبر قرارداده است.

*****

1- 26 الی 29 / مریم.

«وَ جَعَلَنی مُبارَکا اَیْنَ ما کُنْتُ وَ اَوْصانی بِالصَّلوهِ وَ الزَّکاهِ ما دُمْتُ حَیّا» (31 / مریم)

و هر کجا که باشم مبارکم کرده است و تا زنده هستم مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.

«وَ بَرّا بِوالِدَتی وَ لَمْ یَجْعَلْنی جَبّارا شَقیا» (32 / مریم)

و نسبت به مادرم نیکوکارم کرده و مرا گردنکش و شقی قرار نداده است.

«وَ السَّلامُ عَلَیَّ یَوْمَ وُلِدْتُ وَ یَوْمَ اَمُوتُ وَ یَوْمَ اُبْعَثُ حَیّا» (33 / مریم)

و درود بر من روزی که متولّد شدم و روزی که بمیرم و روزی که زنده برانگیخته شوم. عیسی با این جملاتش اوّلاً پاکی مریم را اثبات می کند و ثانیا بخشی از ویژگی های شخصی اش را بیان می کند که عبارتست از بنده خدا بودن، داشتن کتاب،

ص:25

پیامبر بودن، مبارک بودن، جبار و شقی نبودن و بر خودش درود می فرستد. که در این باره در بخش دوم کتاب به تفصیل توضیحاتش می آید و ثالثا توصیه های خدا به بنده اش را می گوید که عبارتست از نماز خواندن، زکات دادن و نیکی به مادر.

اکنون مریم، ثمره سختی هایی که برایش پیش آمده را می بیند و یکباره ورق برمی گردد، تا چند لحظه پیش مخالفین مریم سعی در بی آبرو کردن او داشتند و مریم در میان این جمع حتّی از خود دفاع نمی کرد و اکنون بی گناهی و پاکی مریم ثابت شده است و در آن طرف مخالفین مریم شرمگین از تهمتشان. آری! برای خدا هیچ کاری ندارد که بدین حالت اوضاع یک قوم را تغییر دهد و مؤمنین را پیروز گرداند. او به مؤمنین وعده داده است که «اِنْ تَنْصُرُ اللّهَ یَنْصُرْکُمْ» اگر خدا را یاری کنید او شما را یاری می کند. (7 / محمّد)

ص:26

ج معجزات عیسی

معجزات عیسی

آن نوزادی که در گهواره سخن می گفت، همانطور که وعده داد، به پیامبری برگزیده شد و مسلما هر پیامبری برای اثبات گفته هایش معجزه می آورد.

1 تفاوت معجزات عیسی با سایر پیامبران

معجزات مسیح با معجزات سایر پیامبران تفاوت دارد زیرا معجزات او، مربوط به روح و حیات است. در قسمتی از آیه 253 بقره می خوانیم:

«وَ اتَیْنا عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ الْبَیِّناتِ وَ اَیَّدْناهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (253 / بقره)

و به عیسی پسر مریم نشانه های آشکاری دادیم و او را با روح القدس یاری کردیم.

ص:27

در تفسیر المیزان و تفسیر نمونه راجع به این موضوع آمده است که:

دادن «بینات» میان تمامی پیامبران وجود دارد امّا در عیسی به طور ویژه ای وجود داشته زیرا معجزات او تماما مربوط به روح و حیات است مثل زنده کردن مردگان، شفا دادن نابینای مادرزاد، خلق پرنده و ... در این آیه نیز وقتی درباره برتری عده ای از پیامبران صحبت می شود، تنها کسی که خدا به وسیله روح القدس او را تأیید و یاوری می کند، حضرت عیسی است. (1)

منظور از بینات که به معنی نشانه های روشن است، معجزاتی مانند زنده کردن مردگان و شفای بیماران لاعلاج است. همچنین تأیید به روح القدس تنها شامل عیسی

*****

1- تفسیر المیزان، علامه سیّد محمّد حسین طباطبایی، ج 2، ص 453 و 454.

می شود که به دلیل سهم بیشتر او نسبت به سایر پیامبران در این زمینه است. (1)

2 آفرینش پرنده از خاک

یکی از معجزات مسیح این بود که از گِل پرنده ای می ساخت و سپس با دمیدن در آن، مجسمه گِلی تبدیل به پرنده واقعی می شد.

«وَ رَسُولاً إِلی بَنِی إِسْرائیلَ أَنِّی قَدْ جِئْتُکُمْ بِآیَهٍ مِنْ رَبِّکُمْ أَنِّی أَخْلُقُ لَکُمْ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَهِ الطَّیْرِ فَأَنْفُخُ فیهِ فَیَکُونُ طَیْراً بِإِذْنِ اللَّهِ» (49 / آل عمران) و فرستاده ای به سوی بنی اسرائیل (می گوید): همانا من نشانه ای از پروردگارتان

*****

ص:29

1- تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 254.

برایتان آورده ام. من از گِل چیزی شبیه پرنده برای شما می سازم سپس در آن می دمم پس آن به اذن خدا پرنده می شود.

«وَ إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَهِ الطَّیْرِ بِإِذْنی فَتَنْفُخُ فیها فَتَکُونُ طَیْراً بِإِذْنی» (110 / مائده).

و (به یادآور) هنگامی که به اذن من از گل پیکر پرنده می ساختی سپس در آن می دمیدی پس به اذن من پرنده ای می شد.

در دو آیه فوق، این معجزه جالب و منحصر به فرد عیسی به طور مشخص و دقیق آورده شده است. در ادبیات فارسی دم مسیحا، سمبل مبارکی و حیات آفرینی است، اعم از حیات معنوی یا مادی.

ص:30

3 شفای کور مادرزاد و پیس

پیسی یا بَرَصْ، بیماری است که در آن شخص بیمار لکه های سفیدی بر روی بدنش ظاهر می شود. مسیح، این نوع بیمارها و همچنین کورهای مادرزاد را شفا می داد.

«وَ أُبْرِئُ الْأَکْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ» (49 / آل عمران).

و کور مادرزاد و مبتلا به برص (پیس) را بهبودی می بخشم.

«وَ تُبْرِئُ الْأَکْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنی» (110 / مائده)

و کور مادرزاد و پیس را بهبودی می دادی به اذن من.

در دو آیه فوق نیز، این معجزه مسیح صریحا بیان شده است.

ص:31

4 زنده کردن مردگان

عجیب ترین معجزه عیسی را می توان زنده کردن مردگان دانست، زیرا کاری است تنها و تنها مختص خدا و به نظر می رسد حتّی با پیشرفت بسیار زیاد علم و دانش، نمی توان همچنین کاری انجام داد.

«وَ أُحْیِ الْمَوْتی بِإِذْنِ اللَّهِ» (49 / آل عمران)

و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم.

«وَ اِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتی بِاِذْنی» (110 / مائده)

و هنگامی که مردگان را به اذن من بیرون می آوردی.

نظر علامه طباطبایی در رابطه با این قسمت از آیه 110 سوره مائده این است که:

از «تُخْرِجُ الْمَوْتی بِإِذْنی» فهمیده می شود که عیسی مردگان در قبر را زنده

ص:32

می کرده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام در کافی آمده است که عیسی به همراه مادر یکی از دوستانش که فوت کرده بود به قبرستان می رود و آن دوستش را به اذن خدا زنده می کند و تا 20 سال آن شخص زنده می ماند که در این مدّت ازدواج می کند و دارای فرزند نیز می شود.(1)

5 خبر دادن از آنچه مردم می خورند و ذخیره می کنند.

این معجزه عیسی تنها در آیه 49 سوره آل عمران آمده است در حالی که سه معجزه فوق هم در آن آیه و هم در آیه 110 سوره مائده ذکر شده است.

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 6، ص 350و 352و 353.

«وَ أُنَبِّئُكُمْ بِما تَأْكُلُونَ وَ ما تَدَّخِرُونَ فی بُیُوتِکُمْ» (49 / آل عمران)

و از آنچه می خورید و در خانه هایتان ذخیره می کنید، خبر می دهم.

6 تأکید ویژه بر «بِإِذْنِ اللَّهِ » برای برخی معجزات

در آیه 49 / آل عمران که به تدریج در قسمت های قبلی بیان شد، از چهار معجزه ذکر شده تنها برای دو معجزه «بِإِذْنِ اللَّهِ » آورده شده است، علّت این امر در تفسیر المیزان بدین ترتیب آمده است:

مردم، خلق نمودن پرنده و زنده کردن مرده را کارهایی خدایی می دانند ولی معالجه کور مادرزاد و اطّلاع از غیب را تنها مختص خداوند نمی دانند. لذا برای معجزاتی که

ص:34

فقط مخصوص خداوند است، از باذن اللّه استفاده شده تا موجب لغزش نگردد(1)

امّا در آیه 110 سوره مائده برای شفای کور مادرزاد و پیس هم «باذنی» (یعنی به اجازه خدا) آمده است که شاید برای این باشد که در این آیه خدا با مسیح سخن می گوید امّا در آیه 49 / آل عمران مسیح با مردم سخن می گوید و چون در نظر مردم، خلق پرنده و زنده کردن مرده کارهایی مخصوص خداوند است، تنها برای این دو معجزه، بِإِذْنِ اللَّهِ ذکر شده است.

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 352.

7 تولد خارق العاده و سخن گفتن در گهواره و نزول مائده

جدای از معجزات ذکر شده در آیه 49 / آل عمران و 110 / مائده، تولّد بدون پدر مسیح و تکلّمش در گهواره نیز می تواند برای آن هایی که هم تولّد عیسی را درک کرده اند و هم زمان بعثتش در قید و حیات بوده اند اعجازی از طرف خدا و دلیلی بر حقانیّت گفته های مسیح باشد.

نزول مائده نیز معجزه دیگری است که حواریّون خواستار آن شدند. البته در قرآن درباره نزول قطعی مائده سخنی به میان نیامده ولی اکثر مفسرین بر طبق آیه 114 / مائده معتقدند که نزول مائده، انجام شده است. درباره نزول مائده در همین بخش مطالبی ارائه خواهد شد.

ص:36

8 آیا بیان این معجزات تنها برای تحدّی بوده است؟

جواب تفسیر نمونه را در رابطه با سؤالی که بیان می کند «آیا معجزات نام برده شده به زبان عیسی در آیه 49 / آل عمران تنها برای تحدی است و یا این که واقعا انجام شده است؟» را می خوانیم.

بعضی از مفسّران معتقدند عیسی تنها ادعای این معجزات را کرده نه آن که آن ها را انجام دهد. در جواب باید گفت: اوّلاً آیه 110 / مائده می گوید که عیسی پرنده ای گلی ساخت و در آن دمید و به فرمان خدا زنده شد که مشخص کننده انجام شدن این معجزه است و ثانیا اگر بتوان این مورد و چند مورد دیگر اعمال خارق العاده را توجیه کنیم، سایر معجزات موجود در قرآن را چه کنیم؟ اگر خدا را حاکم بر قوانین طبیعت بدانیم، دیگر هر کاری از او ساخته است و می تواند قوانین عادی طبیعت را مستثنی

کند. نکته دیگر موجود در آیه این است که عیسی و در حالت کلّی پیامبران و اولیای

خدا، خودشان دست به معجزه می زنند نه آن که تنها دُعا کنند یعنی ولایت تکوینی دارند. عدّه ای معتقدند که اولیای خدا تنها ولایت تشریعی دارند، یعنی سرپرستی مردم از نظر حکومت و نشر قوانین و دعوت به راه راست و برای بعضی امور تنها دعا می کنند نه آن که ولایت تکوینی داشته باشند. در جواب باید گفت ولایت تکوینی به معنی این است که «خدا» اجازه تصرف در جهان را به آن ها در مواردی خاص داده و آن ها استقلالی از خود ندارند، لذا ولایت تکوینی نوعی شرک به حساب نمی آید. (1)

*****

ص:38

1- تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 557 الی 559.

9 علّت انجام معجزات خاص هر پیامبر

«چرا موسی، به جای تبدیل کردن عصایش به اژدها، مردگان را زنده نکرد و چرا عیسی به جای شفای کور مادرزاد، کتابی مانند قرآن نیاورد؟» علامه طباطبایی به این سؤال، این گونه جواب می دهد:

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: موسی در زمانی مبعوث شد که اغلب مردم کارشان سحر بود. لذا معجزاتی می کرد که ساحران از آن عاجز بودند و اینطور حجّتش را تمام می کرد. عیسی در زمانی مبعوث شد که امراض گوناگون زیاد شده بود و مردم به طبیب نیاز زیادی داشتند و خداوند با زنده کردن مردگان و علاج کورهای مادرزاد و مبتلایان به پیسی توسط عیسی حجت را بر مردم تمام کرد. در زمان پیامبر اسلام هم سخنرانی و خطبه خوانی و شعر خواندن، رواج

ص:39

داشت و پیامبر در این زمینه گفتار آن ها را باطل کرد و حجّت را بر آنان اثبات کرد. (1)

د حواریّون

1 حواریّون چه کسانی بودند؟

حواریّون یاران باوفای عیسی بودند که در احادیث تعدادشان 12 نفر ذکر شده است. با دقّت در آیاتی از قرآن که در این قسمت از کتاب ذکر خواهد شد درمی یابیم که آن ها یاوران مخلص و صمیمی خدا و عیسی هستند. کمتر پیامبری مثل مسیح را می توان یافت که چنین همراهان با وفایی داشته باشد. در زیر مطالبی از تفسیر نمونه و

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 6، ص 351 و 352.

تفسیر المیزان راجع به حواریّون ذکر خواهد شد.

یهودیان، قبل از ظهور عیسی منتظر آمدن او بودند اما هنگامی که عیسی پیامبری اش را اعلام کرد، به علّت به خطرافتادن منافعشان عدّه کمی از آن ها گرد مسیح را گرفتند که همان، حواریّون بودند. حواریّون جمع «حَواری» از ماده «حَوَرَ» به معنی شستن و سفید کردن است و علّت نامگذاری شان متعدّد بیان شده که آنچه نزدیک تر به ذهن می رسد این است که آن ها علاوه بر قلب پاک و روح با صفایشان در پاکیزه ساختن افکار دیگران و شستشوی آن ها از گناه تلاش فراوان کردند. در انجیل متی و لوقا، باب 6 اسامی حواریّون چنین آمده است:

1 پطرس 2 اندریاس 3 یعقوب 4 یوحنا 5 فیلوس 6 برتولولما 7 توما 8 متّی 9 یعقوب ابن حلفا 10 شمعون (ملقب به غیور) 11 یهودا برادر یعقوب

ص:41

12 یهودای اسخریوطی که به مسیح خیانت کرد.

طبرسی در مجمع البیان نقل می کند که حواریّون و عیسی وقتی در سفر بودند و تشنه یا گرسنه می شدند به فرمان خدا برای آن ها آب و غذا آماده می شد. آن ها این جریان را افتخار بزرگی برای خود می دانستند. به عیسی گفتند: آیا کسی بالاتر از ما پیدا می شود؟ عیسی گفت: آری، فردی که زحمت بکشد و از دست رنج خودش بخورد. بعد از این ماجرا آن ها به شستشوی لباس و گرفتن اجرت در برابر آن مشغول شدند و ثابت کردند کار و کوشش، ننگ و عار نیست(1)

«حَوارِيِ» انسان، کسی است که از «مختصین» او محسوب می شود و بعضی

*****

ص:42

1- تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 562، 565، 566.

معتقدند حواری از «حور» گرفته شده که به معنی شدت سفیدی است. قرآن این لفظ را تنها برای اصحاب خاص حضرت عیسی به کار برده است. (1)

2 حواریّون ایمان می آورند

«وَ إِذْ أَوْحَیْتُ إِلَی الْحَوارِیِّینَ أَنْ آمِنُوا بی وَ بِرَسُولی قالُوا آمَنَّا وَ اشْهَدْ بِأَنَّنا مُسْلِمُونَ» (111 / مائده)

و هنگامی که به حواریّون وحی کردم که به من و فرستاده ام ایمان بیاورید. گفتند: ایمان آوردیم و شاهد باش که ما تسلیم شدگانیم.

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 357.

این جماعت مخلص بعد از دریافت پیام پروردگارشان، ایمان می آورند و بعد از

آن مسیح با پشتوانه ای محکم تر مسیر تبلیغش را می پیماید. در کتب تفسیر، بیان شده است در آیه 52 / آل عمران ایمان بعد از ایمان حواریّون آورده شده است. سؤالی که با خواندن این آیه در ذهن نقش می بندد این است که «مگر به غیر پیامبر نیز وحی می شود؟» علامه طباطبایی ذیل آیه 52 / آل عمران می نویسد:

بدلیل این که اجابت کردن دعوت عیسی توسط حواریّون از روی وحی خدا بود لذا تمامشان نبی و صاحب وحی بوده اند.(1)

امّا ایشان ذیل آیه 111 / مائده می نویسد:

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 357 و 358.

در روایتی از حضرت ابی جعفر نقل شده است که فرمود: وحی در این جا به معنی

الهام است. در آیات 7 / قصص و 68 / نحل و 5 / زلزال نیز وحی به معنی الهام است(1)

اما در تفسیر نمونه آمده است که:

وحی در قرآن معنی وسیعی دارد و منحصر به وحی هایی که بر پیامبران نازل می شد نیست همانند وحی بر مادر موسی (7 / قصص) که نوعی الهام بوده است و وحی بر زنبور عسل که جزء غرایز و الهامات تکوینی حیوانات است. شاید هم منظور از وحی در این آیه وحی هایی باشد که به واسطه عیسی علیه السلام و با پشتوانه معجزات برای آن ها فرستاده می شد. (2)

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 6، ص 353.
2- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 5، ص 127 و 128.

3 ایمان بعد از ایمان حواریّون

بعد از مدّتی که عیسی تبلیغ دین خدا را نزد بنی اسراییل آغاز کرد در آن ها احساس کفر مشاهده کرد و به اعتقاد عدّه ای بنی اسراییل قصد اذیّت و حتّی کشتن مسیح را می کنند. در این حال او به یاورانی نیاز دارد تا دعوتش را منتشر کنند. لذا می گوید: چه کسی است که مرا برای خدا یاری کند؟ (1) در این حین تنها حواریّون به درخواست مسیح، لبیک می گویند. البته به اعتقاد مفسّرین ایمان آوردن بار اوّل حواریون همان آیه 111 / مائده است و در آیات 52 / آل عمران و 14 / صف ایمان بعد از ایمان آن ها صورت می گیرد.

*****

1- 52 / آل عمران.

«فَلَمَّا أَحَسَّ عیسی مِنْهُمُ الْکُفْرَ قالَ مَنْ أَنْصاری إِلَی اللَّهِ قالَ الْحَوارِیُّونَ نَحْنُ أَنْصارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ اشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (52 / آل عمران)

هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت: کیست که یاور من باشد به سوی خدا؟ حواریّون گفتند: ما یاران خداییم. به خدا ایمان آوردیم و گواه باش به این که ما اسلام آوردیم.

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُونُوا أَنْصارَ اللَّهِ کَما قالَ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ لِلْحَوارِیِّینَ مَنْ أَنْصاری إِلَی اللَّهِ قالَ الْحَوارِیُّونَ نَحْنُ أَنْصارُ اللَّهِ» (14 / صف)

ای کسانی که ایمان آوردید یاران خدا باشید همانطور که عیسی پسر مریم به حواریّون گفت: چه کسی مرا در راه خدا یاری می کند؟ حواریّون گفتند: ما یاران خداییم.

(صفحه 49)

ص:47

4 تأکید عیسی و حواریّون بر خدایی بودن راهشان

آیه 52 / آل عمران و 14 / صف تصریح می کند که عیسی راهش خدایی است و حواریّون یاوران خدایند. پس یاری شدن عیسی توسط حواریّون دلیل محکم و آهنین دارد و آن «مخلص» بودن در راه خداست. همین طور مرید بودن حواریّون به دلیل اهداف والا و الهی رهبرشان است. در تفاسیر المیزان و نمونه هم بر این مسأله تأکید شده است.

«أَنْصاری إِلَی اللَّهِ » تأکید بر به سوی خداست و احتمال این که «اِلَی» به معنی «مَع» باشد منتفی است، زیرا احتمال بدون دلیل است و با ادب قرآن و ادب عیسی علیه السلام نمی خواند و گذشته از این ها حواریّون از «انصار اللّه» استفاده می کنند نه از

ص:48

«انصارک مع اللّه».(1)

حواریّون در ضمن ایمان آوردن تأکید می کنند که ما یاوران خداییم گویا آن ها نیز احساس می کردند که در آینده منحرفین ادعای خدایی عیسی علیه السلام را می کنند. در این جا عیسی علیه السلام صف دوستان و دشمنانش را جدا می کند(2)

5 رحمت و رأفت حواریّون

دل های پیروان صدیق مسیح، مملو از مهربانی و رحمت بود و البته برای مبلغین

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 356 و 357.

2- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 2، ص 563.

دین، این ویژگی، الزامی است. زیرا تنها با برخورد جذاب و مهربانانه است که مردم

جذب دین می شوند. کسانی که از راه خشونت می خواهند مردم را به زور، دیندار کنند، مسلما خودشان از مفاهیم والای الهی بهره ای نبرده اند. این سنّتی الهی است که کسانی که به یاری خدا می روند و ذکر او می گویند و برای او از روی اخلاص کاری انجام می دهند، خداوند در قلب های آن ها، محبّت و عشق را جاری می کند تا هم پاداشی به آن ها داده باشد و هم در راه تبلیغ دین موفقشان گرداند.

«وَ قَفَّیْنا بِعیسَی ابْنِ مَرْیَمَ وَ آتَیْناهُ الْإِنْجیلَ وَ جَعَلْنا فی قُلُوبِ الَّذینَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً» (27 / حدید)

و از پی ایشان عیسی پسر مریم را آوردیم و به او انجیل دادیم و در دل کسانی که از او پیروی می کردند مهربانی و رحمت قرار دادیم.

ص:50

علاّمه طباطبایی ذیل این آیه می گوید: واژه رأفت مترادف رحمت است اما

بعضی گفته اند: رأفت در مورد دفع شر و رحمت در مورد جلب خیر استعمال می شود ولی نظر بانو امین در مخزن العرفان این است که:

شفقت در امّت عیسی همانند امّت پیامبر بود. البته این شفقت هنوز به زبان آن ها نیز جاری است امّا در عمل میلیون، میلیون و میلیارد، میلیارد انسان را با اختراعات خود در موقع جنگ هلاک می کنند(1)

*****

1- مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده های بی سرپرست اصفهان، ج 3، ص 166.

ه مائده آسمانی

1 درخواست حواریّون

«إِذْ قالَ الْحَوارِیُّونَ یا عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ هَلْ یَسْتَطیعُ رَبُّکَ أَنْ یُنَزِّلَ عَلَیْنا مائِدَةً مِنَ السَّماءِ» (112 / مائده)

هنگامی که حواریّون گفتند: ای عیسی پسر مریم! آیا پروردگارت می تواند بر ما سفره ای از آسمان نازل کند؟

مائده در لغت به معنی خوان و سفره و همین طور به معنی غذایی که در سفره قرار می دهند، است. با خواندن این آیه سؤالی به ذهن خواننده خطور می کند که «حواریّون با آن مقامی که داشتند و نزدیکی ای که به عیسی داشتند چطور می گویند خدا «می تواند» مائده ای از آسمان نازل کند. مگر آن ها به «قدرت لایتناهی»

ص:52

خداوند آگاه نبودند؟ مگر معجزات زیادی از مسیح ندیده بودند؟ پس این چه سخنی است که آن ها می گویند؟»

جواب تفسیر المیزان و تفسیر نمونه را به این سؤال در زیر می خوانیم:

جواب های متعددی به این سؤال داده شده است که بهترین آن ها این است که منظور حواریّون از توانستن، صلاح دیدن انجام آن کار است و نه قادر بودن به انجام آن مثلاً اگر گفته شود «آیا می توانی با من بیایی؟» منظور از می توانی این است که صلاح می دانی. جواب های دیگری هم به این سؤال داده شده است که تمام آن ها قابل رد شدن هستند اما به خاطر اثبات نشدن معصومیت حواریّون لزومی بر

ص:53

دفاع از زشت نبودن سخنانشان وجود ندارد.(1)

1 - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی،ج 6، ص364،365،369، 370.

درباره «هَلْ یَسْتَطیعُ رَبُّکَ» مفسّران اسلامی نظراتی داشته اند که بهترین آن ها این است که حواریّون در آغاز کار بودند و تمامی صفات خدا را نمی شناختند همین طور منظور از یستطیع، صلاح دانستن است و نه قادر بودن. مثل این که شخصی بگوید: «من نمی توانم تمام ثروتم را به دست فلان کس دهم» و سوم این که یَسْتَطیعُ به معنی «یستجیب» است یعنی پروردگار تو از ما می پذیرد که مائده آسمانی بر ما نازل کند.(2)

«قالَ اتَّقُوا اللّهَ اِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ» (112 / مائده)

*****

1- تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 5، ص 130.
2- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی،ج 6، ص364،365،369، 370.

(عیسی) گفت: از خدا بپرهیزید اگر با ایمان هستید.

در ادامه آیه گویی عیسی از این تقاضای حواریّون تعجّب می کند و شاید هم از

لحن صحبتشان ناراحت می شود لذا به آن ها می گوید از خدا بپرهیزید و به قول علامه طباطبایی می خواهد این گونه، آن ها را توبیخ کند. در آیه بعدی، حواریّون اهداف خود را از این تقاضا بیان می کنند.

2 اهداف حواریّون از نزول مائده

«قالُوا نُریدُ أَنْ نَأْکُلَ مِنْها وَ تَطْمَئِنَّ قُلُوبُنا وَ نَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنا وَ نَکُونَ عَلَیْها مِنَ الشَّاهِدینَ» (113 / مائده)

(حواریون) گفتند: می خواهیم از آن بخوریم و دل هایمان مطمئن گردد و بدانیم که تو به ما راست گفته ای و بر آن گواه باشیم.

حواریّون با جملاتی که گفتند می خواستند نیّت خیرشان را از درخواستشان بیان

کنند.

در تفسیر المیزان و تفسیر نمونه اهداف حواریون از نزول مائده اینطور ذکر شده است:

با این آیه مشخص می شود که حواریون از سخن قبلی شان معذرت خواستند و چهار هدف آن ها از درخواستشان مشخص می شود که عبارتست از:

1 خوردن مائده. منظور آن ها صرف خوردن بوده است. بعضی گفته اند آن ها می خواستند متبرک شوند و یا اظهار گرسنگی زیاد و احتیاج شدید به غذا داشتند که این ها با کلمه «اکل» جور در نمی آید و اگر منظورشان این بود صریحا معذرت خواهی می کردند.

2 اطمینان قلب.

3 مطمئن شدن از راستگویی عیسی علیه السلام. اگر مراد آن ها از این خواسته مطمئن شدن برای استجابت دعاست که بسیار استجابت دعا را دیده اند و اگر

ص:56

مرادشان دیدن ثمره ایمانشان است پس خودشان باید دعا می کردند و نه مسیح علیه السلام.

4 شهادت دادن. مثلاً در مقابل فردی که منکر معجزات عیسی علیه السلام است شهادت دهند و یا در روز قیامت و یا این که تنها نزد خدا شهادت دهند.(1)

حواریون به اطلاع عیسی رساندند که هدفشان لجاجت نیست بلکه آرامش قلبی و خوردن از آن و رسیدن به یقین و اثبات راستگویی عیسی و شاهد بودن بر آن است(2)

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 6، ص 370 الی 372.
2- تفسیر نمونه، استاد ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 5، ص 128.

3 دعای زیبای مسیح

«قالَ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنا أَنْزِلْ عَلَیْنا مائِدَةً مِنَ السَّماءِ تَکُونُ لَنا عیداً لِأَوَّلِنا وَ آخِرِنا وَ آیَةً مِنْکَ وَ ارْزُقْنا وَ أَنْتَ خَیْرُ الرَّازِقینَ» (114 / مائده)

عیسی پسر مریم گفت: خدایا، پروردگار ما! بر ما مائده ای از آسمان نازل کن، عیدی باشد برای ما برای اوّل ما و آخِر ما و نشانه ای از تو باشد و ما را روزی ده و تو بهترین روزی دهندگان هستی.

مسیح، خواسته حواریّون را با جملاتی زیبا و بسیار مؤدبانه به خداوند می گوید که این حاکی از نهایت ادب و تواضع یک بنده در مقابل پروردگار خویش است. بیان اهداف عیسی با بیان اهداف حواریون از نزول مائده متفاوت است. با کمی دقّت درمی یابیم که عیسی خوردن از مائده را در انتهای اهدافش بیان می کند در حالی که

ص:58

حواریّون آن را در ابتدا بیان کرده اند و همین طور او هدف اصلی را عید قراردادن نزول مائده می داند که هدفی بسیار والاتر از خوردن مائده است. در تفسیر المیزان و تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است:

عیسی علیه السلام وقتی پافشاری حواریّون را مشاهده می کند دست بر دعا برمی دارد. البته یک پیغمبر، وقتی دعا می کند که بداند و امیدوار باشد که خدا دعایش را مستجاب می کند و پروردگار نیز در خواهشی که پیغمبرش کرده او را ناامید نمی کند. مسیح علیه السلام با « اللَّهُمَّ رَبَّنا» دعایش را آغاز می کند که در تقاضاهای انبیاء که در قرآن حکایت شده منحصر به فرد است. همچنین عیسی علیه السلام به مائده عنوانی می دهد (عید بودن آن) که صلاحیت داشته باشد هدف او و اصحابش قرارگیرد که البته این کار را حواریون انجام ندادند. پس عیسی غرض اصلی از درخواست مائده را عید بودن آن

ص:59

مطرح می کند که در قومشان همواره این روز را به خاطر داشته باشند و بعد از گفتن غرض اصلی می گوید «و نشانه ای از تو باشد» در این جا باید دقّت کنیم که نزول مائده برای نشانه بودن خدا به عنوان هدف اصلی عیسی ذکر نشده است زیرا عیسی آنقدر معجزه برای حواریون آورده بود که که دیگر نیازی به مائده نبود. در انتها عیسی فایده دیگر نزول مائده که رزق بودن آن است را ذکر می کند در حالی که حواریون این فایده را در ابتدای سخنشان (نَأْكُلَ مِنْها) ذکر کرده بودند. نتیجه گیری از این آیه و آیه قبلی این است که عیسی با این که همان خواسته حواریون را بیان می کند، اما با عوض کردن بعضی جملات و تغییر جای جملاتی دیگر، کلام خود را لایق گفته شدن

ص:60

به پروردگار می کند که این نهایت ادب او در مقابل خدا را می رساند. (1)

هنگامی که عیسی از حسن نیّت حواریون مطلع می شود، خواسته آن ها را به پروردگار می گوید. البته عیسی تقاضای آن ها را به طرز شایسته تری به خدا می گوید که حاکی از روح حق طلبی و ملاحظه مصالح عمومی اوست. «عید» در لغت از «عود» به معنی بازگشت است و لذا به روزهایی اطلاق می شود که مشکلات از قومی برداشته می شود و به پیروزی ها برمی گردند. از آن جا که روز نزول مائده روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا بوده است مسیح علیه السلام آن را عید نامید و بنابر روایات آن روز، یک شنبه بوده است که شاید یکی از علل احترام مسیحیان به

*****

ص:61

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 5، ص 128، 129، 131.

این روز از اینجا نشأت گرفته باشد.(1)

4 وعده به مجازاتی بی نظیر

«قالَ اللَّهُ إِنِّی مُنَزِّلُها عَلَیْکُمْ فَمَنْ یَکْفُرْ بَعْدُ مِنْکُمْ فَإِنِّی أُعَذِّبُهُ عَذاباً لا أُعَذِّبُهُ أَحَداً مِنَ الْعالَمینَ» (115 / مائده)

خداوند گفت: همانا من آن را بر شما نازل می کنم تا هر کس بعد از آن از شما کفر بورزد، پس همانا من او را عذابی می کنم که هیچ کس از جهانیان را اینطور عذاب نکنم.

ص:62

1- تفسیر المیزان، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 5، ص 128، 129، 131.

خداوند درخواست عیسی را می پذیرد اما چون با دیدن این معجزه مسئولیت حواریون بسیار بیشتر می شود تذکر می دهد که اگر بعد از آن کسی کفر ورزید عذابش

هم بسیار بیشتر خواهد شد. نظر علامه طباطبایی و نویسندگان تفسیر نمونه را راجع به تهدید خداوند به عذابی بسیار سخت می خوانیم.

با مطالعه این آیه سؤالی در ذهن ایجاد می شود که «چرا خداوند حواریون را به عذابی سخت تهدید می کند؟» جواب های گوناگونی وجود دارد که عبارتند از: 1 سؤال حواریون خارج از ادب بود. اما قوم های گذشته نیز بسیار بی ادبانه تر برخورد می کردند و به خداوند اهانت می کردند و حتّی پیامبر خود را به استهزاء می گرفتند پس این جواب، قانع کننده نیست. 2 قبل از این سؤال، حواریون ایمان آورده بودند. اما در امت های گذشته کسانی بوده اند که حتّی به مقام قرب پروردگار

ص:63

رسیده بودند و سپس مرتد شده بودند. پس این جواب نیز قانع کننده نیست. 3 یکی از انواع معجزات این است که قومی برای هوسبازی از پیامبرش معجزه بخواهد و نه

به خاطر استفاده از معجزه مثل این که بنی اسراییل از موسی خواستند که خدا را به آن ها نشان دهد. این خواسته حواریون نیز در این نوع از معجزات است، زیرا آن ها معجزات بسیاری از مسیح علیه السلام مشاهده کرده بودند. (1)

علت مجازات شدید برای حواریون این بود که چون آن ها می خواستند مائده آسمانی و معجزه خداوند را علنا مشاهده کنند مسئولیتشان نیز بسیار بیشتر می شد همانند مسئولیت انبیاء و اولیای خدا(2)

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 6، ص 357 و 358.
2- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 5، ص 131، 132.

5 آیا مائده آسمانی نازل شد؟

در تفسیر نمونه آمده است:

بعضی از مفسّرین با این که آیات فوق بر نزول مائده تصریح دارد گفته اند که حواریون وقتی شدت مسؤولیت را احساس کردند از تقاضایشان منصرف شدند(1).

اما تفسیر المیزان سؤال را کامل تر مطرح می کند و جواب آن را نیز می دهد.

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 5، ص 130 و 131.

*****

عده ای از مفسرین از جمله «مجاهد» و «حسن» معتقدند که وقتی حواریون فهمیدند که هر کس بعد از این معجزه کفر ورزد خدا او را عذابی می کند که هیچ کس را نکرده، حرف خود را پس گرفتند و مائده نازل نشد. در بیان علّت این نظرشان

می گویند اگر مائده نازل می شد، در کتب فعلی آن ها یافت می شد زیرا آن ها شعائر دینشان را حفظ می کنند. در جواب باید گفت اگر کسی تاریخ شیوع نصرانیت و ظهور اناجیل را بداند این نظر را نمی دهد، زیرا کتاب های فعلی آن ها به طور تواتر به زمان مسیح علیه السلام مستند نیست و نصرانیت فعلی به زمان عیسی متصل نمی شود.(1)

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 6، ص 354، 355.

6 آیا ماجرای نزول مائده در انجیل آمده است؟

درباره نزول مائده آسمانی در اناجیل مطلبی نیامده تنها اطعام اعجازآمیز مسیح از جمعی از مردم با نان و ماهی ذکر شده است که ارتباطی با مائده آسمانی ندارد و در

کتاب اعمال رسولان که از کتب عهد جدید است درباره نزول مائده بر یکی از حواریون به نام «پطرس» بحثی شده که آن هم به مطلب این آیه ارتباطی ندارد.(1)

اکنون داستان نان و ماهی انجیل را نقل می کنیم تا خواننده خود تشخیص دهد که همان داستان نزول مائده قرآن است یا با آن، تفاوت دارد؟

پس از این رویداد، عیسی به آن سوی دریاچه جلیل رفت (دریای جلیل به دریای

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 5، ص 132.

طبریه نیز معروف است) و سیل جمعیت به طرف او سرازیر شد! بیشتر ایشان زائران خانه خدا بودند که به شهر اورشلیم می رفتند تا در مراسم عید «مسیح» شرکت کنند. هر جا که عیسی می رفت، ایشان نیز به دنبال او می رفتند تا ببینند چطور بیماران را شفا

می بخشد. در آن حال، عیسی از تپّه ای بالا رفت و شاگردانش دور او نشستند، آن گاه مردم را دید که دسته دسته به دنبال او از تپّه بالا می آیند. عیسی رو به فیلیپ کرد و پرسید: «فیلیپ، ما از کجا می توانیم نان بخریم و این مردم را سیر کنیم؟» عیسی این سؤال را از او کرد تا ببیند عقیده او چیست، چون عیسی خود می دانست چه کند. فیلیپ جواب داد: خروارها نان لازم است تا بتوانیم این جمعیت را سیر کنیم».

«اندریاس» برادر شمعون پطرس، گفت: «پسر بچّه ای اینجاست که پنج نان جو و دو ماهی دارد ولی این به چه درد این جمعیّت می خورد؟» عیسی فرمود: «بگویید

همه بنشینند». پس تمام جمعیت روی سبزه ها نشستند. فقط مردها در آن جمعیت، پنج هزار تن بودند. آن گاه عیسی نان ها را گرفت، خدا را شکر کرد و داد تا بین مردم تقسیم کند. با ماهی ها نیز چنین کرد. مردم آنقدر خوردند تا سیر شدند. سپس عیسی به

شاگردان فرمود: «تکه های باقیمانده را جمع کنید تا چیزی تلف نشود». از همان پس مانده ها دوازده سبد پر شد. وقتی مردم این معجزه بزرگ را دیدند گفتند: «حتما این همان پیغمبری است که ما چشم به راهش بوده ایم». وقتی عیسی دید که مردم می خواهند او را به زور ببرند و پادشاه کنند، از ایشان جدا شده و تنها بالای کوهی رفت.(1)

*****

1- ترجمه تفسیری انجیل یوحنا، باب ششم.

و سرنوشت عیسی

1 مسیح به صلیب کشیده نشد و کشته نشد

مسیحیان معتقدند که عیسی به صلیب کشیده شده است و کشته شده است و بعد از

چند روز از قبر بیرون می آید و بعد از مدّت کمی مکث در زمین به آسمان می رود. اما قرآن این اعتقاد نصاری را رد می کند و صریحا می گوید مسیح کشته نشده است و به صلیب کشیده نشده است.

«وَ قَوْلِهِمْ اِنّا قَتَلْنَا الْمَسیحَ عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ رَسُولَ اللّه ِ وَ ما قَتَلُوهُ وَ ما صَلَبُوهُ وَ لکِنْ شُبِّهِ لَهُمْ وَ اِنَّ الَّذینَ اخْتَلَفُوا فیهِ لَفی شَکٍّ مِنْهُ ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ اِلاّ اتِّباعَ الظَّنِّ وَ ما قَتَلُوهُ یَقینا» (157 / نساء)

و گفته شان (این بود که): همانا ما مسیح عیسی پسر مریم پیامبر خدا را کشتیم و او

ص:70

را نکشتند و او را به صلیب نکشیدند، بلکه برایشان مشتبه شده بود و همانا کسانی که درباره او اختلاف کردند در شکّی از او هستند. به آن علمی ندارند. مگر پیروی از گمان و قطعا او را نکشتند.

آیه فوق، اعتقاد نصاری را به شدّت اشتباه می خواند تا جایی که در آخِر آیه یکبار دیگر می گوید «قطعا او را نکشتند». نظر علامه طباطبایی را ذیل این آیه مهم می خوانیم.

این آیه مشخص می کند که عیسی به دست آن ها کشته نشده است، بلکه فردی شبیه به او را کشتند و یا به دار زدند. یکی از محققین معتقد است دو مسیح وجود داشته یکی همان عیسی بن مریم که کشته نشده و دیگری مسیح نامی است که بر باطل بوده و او را به دار زده اند که اگر این نظریه صحیح باشد تشبیه ذکر شده در این آیه مربوط به

ص:71

این دو نفر است. در قسمت بعدی آیه می گوید کسانی که درباره عیسی یا در قتل عیسی اختلاف کردند نسبت به جریان او جاهل اند و در این باره یکی از دهان دیگری شنیده و صحیح پنداشته است. درباره «ما قَتَلُوهُ یَقیناً» بعضی گفته اند ضمیر «ه» به

علم بر می گردد و بعضی گفته اند به ظن بر می گردد که هر دو این ها بعید به نظر می رسد.(1)

اما در تفسیر نمونه آمده است:

تعبیر به «رَسُولَ اللَّه» از طرف یهودیان شاید از روی استهزاء باشد و موقعیت عیسی باشد که عدّه ای معتقد بودند او فرزند خداست و عدّه ای او را پیامبر نمی دانستند و شاید اختلاف در بین آن ها راجع به

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 5، ص 208 الی 210.

کشته شدن یا کشته نشدن عیسی علیه السلام باشد و یا به علّت عدم آشنایی با او در شک بودند که آن کس را که کشتند خود مسیح بوده یا فرد دیگری. مسیحیان کنونی معتقدند عیسی به صلیب کشیده شده و همچنین آوردن او به این دنیا نه برای هدایت و تربیت

خلق بود بلکه برای فدا شدن و باز خرید گناهان بشر بوده است. دلایل زیر مصلوب شدن عیسی را تضعیف می کنند. الف) اناجیل چهارگانه سال ها بعد از مسیح و به وسیله شاگردان و یا شاگردان شاگردان او نوشته شده اند. ب) سربازانی که به باغ «جستیمانی» رفته بودند تا عیسی را دستگیر کنند در اردوگاهایشان بودند و نه یهودیان و نه شاگردان عیسی را نمی شناختند. ج) شبانه بودن حمله طبق نظر اناجیل فرار عیسی را دور از ذهن نشان نمی دهد. د) طبق اناجیل شخص دستگیر شده مقابل «پیلاطس» (حاکم رومی در بیت المقدس) سکوت کرده و از خود دفاع نکرده که این

کار از عیسی بعید است اما از «یهودای اسخریوطی» که به جای عیسی دستگیر شده بود بعید نیست. ه) یاران عیسی گرد او نبودند پس احتمال اشتباه گرفتن عیسی با دیگری وجود داشته است. و) شخص محکوم طبق گفته اناجیل پای چوبه دار

می گوید: «الهی الهی مرا چرا ترک کردی؟» ز) انجیل برنابا و بعضی اناجیل نفی کننده مصلوب شدن عیسی هستند و بعضی محققان معتقد به دو عیسی هستند که یکی مصلوب شده و دیگری مصلوب نشده است که 500 سال بین آن ها اختلاف زمانی است.(1)

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 4، ص 198، 199، 201، 202 و 203.

2 عیسی نزد خدا می رود

اگر عیسی به صلیب کشیده نشده و کشته نشده است پس چه سرنوشتی داشته است؟

قرآن کریم در دو آیه به این سؤال پاسخ می دهد. بعضی از مفسّرین معتقدند

آیه 46 / آل عمران نیز سرنوشت مسیح را مشخص می کند.

«بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ كانَ اللَّهُ عَزِيزاً حَكِيماً» (158 / نساء)

بلکه خداوند او را به سمت خودش بالا برد و خداوند توانا و حکیم است.

علامه طباطبایی راجع به کیفیت بالا آوردن مسیح معتقد است:

برحسب سیاق این آیه می توان گفت جسم و روح با هم بالا رفته اند نه آن که اوّل مرده سپس خدا روحش را به سوی خود بالا برده است، امّا در این صورت چنین بالا آوردنی هم با قتل می سازد و هم با مرگ طبیعی پس این بالا آمدن یک نوع

ص:75

نجات بخشی بوده که خدا بدان وسیله عیسی را از دست آنان نجات داده است. با توجه به معجزات مختلفی که در قرآن آمده است، حفظ حیات عیسی علیه السلام به طوری که عادی نباشد توسط خدا دور از ذهن نیست.(1)

«إِذْ قالَ اللَّهُ یا عیسی إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَ رافِعُکَ إِلَیَّ وَ مُطَهِّرُکَ مِنَ الَّذینَ کَفَرُوا» (55 / آل عمران).

هنگامی که خدا گفت: ای عیسی من تو را اخذ نموده، به قرب خود بالا برم و تو را از معاشرت کافران پاک کنم.

کلمه «مُتَوَفِّیکَ» در این آیه می تواند سؤال برانگیز باشد چرا که شاید به یاد کلمه

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری طباطبایی، ج 5، ص 210 و 211.

«فوت» بیفتیم که معمولاً به معنی «مردن» استفاده می شود. در تفسیر المیزان و تفسیر نمونه جواب این سؤال آمده است.

در قرآن، کلمه «توفّی» فقط به معنی مردن نیست که بعضی از آیات قرآن این

موضوع را تأیید می کند(1)

«فَوْت» به معنی از دست رفتن است اما «تَوَفّی» از ماده «وفی» به معنی «تکمیل کردن چیزی» است پس طبق این آیه لزوما عیسی علیه السلام نمرده است. (2)

همچنین در تفسیر نمونه مراد از «مُطَهِّرُکَ» چنین آمده است:

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری طباطبایی، ج 3، ص 361 و 362.
2- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 569.

در این آیه پاکیزه کردن عیسی به او بشارت داده شده که منظور از آن یا نجات از افراد پلید است و یا نجات از تهمت های ناروا و توطئه های ناجوانمردانه و یا به معنی بیرون بردن مسیح علیه السلام از آن محیط آلوده است.(1)

آیات فوق (158 نساء و 55 آل عمران) مشخص می کنند که سرنوشت مسیح این بوده است که به سمت خدا بالا رفته است اما بعضی مفسّرین معتقدند آیه 46 / آل عمران و 110 / مائده نیز چون از سخن گفتن عیسی در سن کهولت پرده برمی دارد، پس مشخص می کند که عیسی بعد از رفتن نزد خدا به زمین بازمی گردد و تکلّم می کند.

«وَ یُکَلِّمُ النَّاسَ فِی الْمَهْدِ وَ کَهْلاً وَ مِنَ الصَّالِحینَ» (46 / آل عمران)

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 570.

و با مردم در گهواره و در سن کهولت صحبت می کند و از شایستگان است.

در قسمت «تکلم در گهواره» بیان کردیم که مراد از «وَ كَهْلاً» این است که مسیح همانطور در گهواره سخن می گفت که در سن کهولت سخن می گوید. بعضی از

مفسّرین بر این عقیده اند که معنی «وَ كَهْلاً» می تواند تصدیقی باشد بر این که بعد از این که او به نزد خدا رفت، در زمان ظهور حضرت مهدی بر زمین برمی گردد و ایشان را تصدیق می کند. در تفسیر نمونه آمده است:

به علاوه می تواند تأییدی باشد بر رفتن او به آسمان و بازگشت او به میان مردم در زمان ظهور امام زمان.(1)

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 550.

فصل2: صفات و وظایف عیسی

الف صفات عیسی

1 - وجیه

«إِذْ قالَتِ الْمَلائِکَهُ یا مَرْیَمُ إِنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُکِ بِکَلِمَهٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسیحُ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ وَجیهاً فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ» (45 / آل عمران)

هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه ای از جانب خودش بشارت می دهد که نامش مسیح عیسی پسر مریم است. صاحب شخصیّت و دارای مقام در دنیا و آخرت است.

از همان ابتدا که ملائکه وعده پسری را به مریم می دهند به مقام و منزلت وی در دنیا و آخرت نیز اشاره می کنند. وجاهت عیسی در این دنیا که واضح و مشخص است

ص:80

زیرا در بین مسیحیان و حتی مسلمانان محترم و والامقام است. در جهان کنونی که مسیحیت بیشترین طرفدار را دارد و بعد از آن اسلام در جای دوم قرار دارد، طبیعتا میلیاردها نفر به مسیح احترام می گذارند. البته همه این ارادت ها به مسیح علیه السلام از روی شناخت صحیح و آگاهی هم نیست. در هر حال مقام و منزلت عیسی در دنیای امروزه بر کسی پوشیده نیست اما مقام او در آن دنیا از مطالبی است که ما هم اکنون به آن علم کافی نداریم و از این آیه تنها درمی یابیم که عیسی در آن دنیا هم دارای شخصیت و مقام است.

2 مقرّب

« وَ مِنَ الْمُقَرَّبینَ» (45 / آل عمران) و از نزدیکان است.

در همان وقتی که ملائکه وجاهت عیسی را به مریم بشارت می دهند، نزدیکی او

ص:81

به خداوند را نیز به مریم خبر می دهند. کمتر چیزی به اندازه این که مریم بداند فرزندش نیز همانند خودش از نزدیکان خداست او را شادمان می کند. زیرا او از عابدان و نزدیکان خدا بود و سال های سال با خدای خود مشغول راز و نیاز بوده است پس طبیعتا خواستار آن است که پسرش نیز همانند خود از مؤمنان و مقرّبان الهی باشد. در تفسیر المیزان پیرامون معنی «مقرّبون» مطلبی ذکر شده است.

«مقرّبون» در آیه 11 / واقعه به معنی کسانی است که در سلوک الی اللّه بر بقیه پیشی گرفته اند که عیسی نیز حتما چنین است.(1)

*****

ص:82

1- تفسیر المیزان، استاد علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 344.

3 صالح

«وَ مِنَ الصَّالِحينَ» (46 / آل عمران)

و از شایستگان است.

در آیه بعدی ملائکه وعده صحبت کردن عیسی در گهواره و سن کهولت را می دهند که قبلاً مورد بررسی قرارگرفت اما ادامه این آیه می گوید: «و او از صالحین است». طبیعتا کسانی که در دنیا و آخرت وجاهت دارند و مقرّب درگاه الهی هستند، جزء صالحان و شایستگان نیز قرار می گیرند. با دقّت در اطرافیان خود متوجّه می شویم کسانی که ایمان واقعی به خداوند متعال دارند و همواره او را ناظر اعمال خویش می دانند، اعمال شایسته و نیکو، کار همیشگی شان است. به مستمندان کمک می کنند، به عیادت بیماران می روند، یاور مظلومان هستند و خیر تمامی مردم را

می خواهند. انجام این نوع اعمال نیکو و مردم پسند توسط مؤمنین باعث مشخص شدن تطابق «معارف دینی» با «فطرت انسان» است زیرا هم در دستورات دینی به انجام این کارها توصیه شده و نیز هر فطرت پاکی با انجام شدن این اعمال، شادمان می شود.

4 رسول

پیامبران الهی یا «نبی» هستند و یا «رسول». تفسیر المیزان درباره تفاوت نبی و رسول ذیل آیه 49 / آل عمران چنین آورده است:

«نبی» برای بیان دین مبعوث شده امّا «رسول» پیام خاصی دارد که ردّ آن موجب هلاکت می شود و پذیرفتن آن باعث بقا و سعادت. نوح، هود، صالح، شعیب

و ... رسول بوده اند. در این آیه هم عیسی به عنوان رسول معرفی شده است (1)

در آیه 30 مریم وقتی که عیسی در گهواره سخن می گوید خود را «نبی» معرفی می کند.

«قالَ اِنّی عَبْدُ اللّهِ اتینِیَ الْکِتابَ وَ جَعَلَنی نَبیا» (30 / مریم)

گفت: همانا من بنده خدا هستم. (خدا) به من کتاب داده است و مرا پیامبری قرارداده است.

در آیه دیگری از قرآن، از مسیح به عنوان «رسول» نام برده شده است.

«وَ رَسُولاً إِلی بَنی إِسْرائیلَ أَنِّی قَدْ جِئْتُکُمْ بِآیَهٍ مِنْ رَبِّکُمْ»

*****

(صفحه 87)

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری طباطبایی، ج 3، ص 350.

(49 / آل عمران)

و فرستاده ای به سوی بنی اسراییل (می گوید): همانا من نشانه ای از پروردگارتان برایتان آورده ام.

امّا درباره این که مأموریت عیسی تنها شامل بنی اسراییل می شده است و یا این که او برای تمامی مردم جهان مبعوث شده است تفسیر المیزان و تفسیر نمونه چنین نوشته اند:

از ظاهر آیه 49 / آل عمران برمی آید که عیسی فقط برای «بنی اسراییل» مبعوث شده ولی با توجه به آیه 213 / بقره روشن شد که عیسی، همانند موسی، جزء

پیامبران اولوالعزم است و برای «تمام مردم جهان» مبعوث شده است.(1)

«اولوالعزم» بودن پیغمبر با «جهانی» بودن مأموریت او ارتباطی ندارد. لذا عدّه ای معتقدند که عیسی دین جهانی نیاورده بلکه آئینش تنها به «بنی اسراییل» مربوط می شده است. بعضی از مفسرین نیز معتقدند که دعوت عیسی جهانی بوده و نه محصور به بنی اسراییل.(2)

در آیه 171 نساء، مسیح به عنوان رسول معرفی شده است.

«إِنَّمَا الْمَسیحُ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ رَسُولُ اللَّهِ» (171 / نساء)

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 349.
2- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 554 و 555.

جز این نیست که مسیح عیسی پسر مریم فرستاده خداست.

در آیه دیگر از زبان عیسی می خوانیم:

«إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُمْ» (6 / صفّ)

همانا من فرستاده خدا هستم به سوی شما

5 ادب

آیات 114 و 116 سوره مائده، ادب عیسی را در مقابل خداوند متعال به روشنی مشخص می کند. او می داند که در برابر خداوند، بنده ای بیش نیست و در برابر او ناتوان و ضعیف است، لذا با ادب و نزاکت بسیار زیادی با خداوند سخن می گوید، با رجوع به بخش اوّل کتاب، در جایی که دعای زیبای عیسی مورد بررسی قرار می گیرد

ص:88

درباره مؤدب بودن او در مقابل پروردگارش نیز مطالبی ذکر شده است.

همچنین در بخش سوم کتاب در قسمتی که مکالمه در روز قیامت مورد بحث واقع

شده نیز در رابطه با تواضع عیسی در مقابل خداوند مطالبی ارائه شده است.

6 وسیله علم به قیامت

«وَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَهِ فَلا تَمْتَرُنَّ بِها» (61 / زخرف)

و همانا او علم آور نسبت به قیامت است، پس زنهار که در امر قیامت شک مکنی.

در تفاسیر المیزان و مخزن العرفان ذیل آیه فوق آمده است:

ضمیر در «اِنَّهُ» به عیسی برمی گردد. عیسی وسیله علم به قیامت است زیرا خودش بدون پدر خلق شده و مرده را زنده می کند، پس برای خدا کاری ندارد که

موجودات مرده را زنده کند. بعضی گفته اند مراد این است که او قبل از قیامت به زمین نازل می شود و مردم از آمدنش متوجه نزدیکی قیامت می شوند و بعضی گفته اند

ضمیر «اِنَّهُ» به قرآن برمی گردد که مراد از علم به قیامت این است که بعد از آن دیگر کتابی نازل نمی شود.

البته این دو نظریه آخر نتیجه گیری را به طور مناسب توجیه نمی کند (منظور از نتیجه گیری «فَلا تَمْتَرُنَّ بِها» است)(1)

ممکن است مرجع ضمیر «اِنَّهُ» عیسی باشد که به نزول عیسی از آسمان، نزدیک شدن ساعت قیامت دانسته می شود و شاید مرجع آن قرآن باشد که یعنی به آیات

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 18، ص 187.

قرآن وقوع قیامت دانسته می شود پس در قیامت شک نکنید و تابع قرآن باشید که پیش رو و رهنمای شماست(1)

پس «خلق شدن» عیسی و «معجزات» او نشانه هایی از «قیامت» است.

ب الطاف خداوند بر عیسی

1 تأیید شده به روح القدس

در آیاتی از قرآن مشاهده می شود که خداوند، مسیح را با «روح القدس» تأیید می کند.

*****

ص:91

1- مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده های بی سرپرست اصفهان، ج 12، ص 38.

«وَ أَیَّدْناهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (87 / بقره)

و با روح القدس او را یاری کردیم.

«وَ آتَیْنا عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ الْبَیِّناتِ وَ أَیَّدْناهُ بِرُوحِ الْقُدُس» (253 / بقره)

و به عیسی پسر مریم نشانه های روشن دادیم و با روح القدس او را یاری کردیم.

امّا «روح القدس چیست؟» در تفسیر نمونه مطالبی ذکر شده است درباره تفسیرهای مختلفی که از روح القدس شده است.

مفسّران بزرگ «روح القدس» را تفسیرهای گوناگونی کردند. ابتدا این که روح القدس همان «جبرییل» است که دلیل آن آیه 102 / نحل است که می گوید «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّکَ بِالْحَقِّ ...» که چون راجع به نازل کردن است جبرئیل موردنظر است و از طرفی جبرئیل فرشته است و اطلاق روح به فرشتگان

صحیح است و القدس به معنای قداست زیاد این فرشته است. تفسیر دوم این است که روح القدس «نیروی غیبی» است که به وسیله آن عیسی، مردگان را زنده می کرد که

این نیرو به طور محدودتری در تمامی انسان ها موجود است. تفسیر سوم که ضعیف تر به نظر می رسد این است که منظور از روح القدس «انجیل» است. در میان مسیحیت روح القدس به دو معنا تعبیر شده است. اوّل این که یکی از خدایان سه گانه است و دیگر همان نیروی غیبی که در فوق ذکر شد.(1)

در آیه 110 / مائده نیز تأیید به روح القدس ذکر شده است.

«إِذْ أَیَّدْتُکَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُکَلِّمُ النَّاسَ فِی الْمَهْدِ وَ کَهْلاً» (110 / مائده)

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 1، ص 338 الی 340.

هنگامی که تو را با روح القدس تأیید کردم، با مردم در گهواره و سن کهولت سخن می گفتی.

امّا علامه طباطبایی معتقد است که در این آیه:

تأیید به روح القدس همان سخن گفتن در گهواره است، زیرا این دو قسمت موجود در آیه با «واو» به هم متّصل نشده اند. همچنین اگر مراد از تأیید به روح القدس مسأله وحی و وساطت ملائکه است که برای تمامی انبیاء چنین بوده است پس منظور سخن گفتن در گهواره است.(1)

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 6، ص 349.

2 دارنده بیّنات

«وَ آتَیْنا عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ الْبَیِّناتِ» (87 / بقره)

و به عیسی پسر مریم نشانه هایی دادیم.

«وَ آتَیْنا عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ الْبَیِّنات» (253 / بقره)

و به عیسی پسر مریم نشانه هایی دادیم.

همانطور که در بخش اوّل نیز ذکر شد بیّناتی که به عیسی داده شد با سایر پیامبران تفاوت داشت زیرا به «زندگی» و «روح بخشیدن» مربوط می شد. در آیه 63 زخرف نیز داده شدن بینات به عیسی ذکر شده است.

«وَ لَمّا جاءَ عیسی بِالْبَیِّناتِ» (63 / زخرف)

و هنگامی که عیسی با نشانه های آشکار آمد.

ص:95

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان نوشته است که مراد از بیّنات در این آیه، معجزاتی است که خدا به مسیح علیه السلام عطا نموده است. (1)

(صفحه 97)

3 تعلیم داده شده به کتاب و حکمت و تورات و انجیل

یکی دیگر از الطاف خداوند بر مسیح، تعلیم دادن کتاب و حکمت و تورات و انجیل است.

در آیه 48 / آل عمران نیز خداوند به مریم بشارت می دهد که پسرش شامل این لطف الهی می شود.

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 18، ص 188.

«وَ یُعَلِّمُهُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ التَّوْراهَ وَ الْإِنْجیلَ» (48 / آل عمران)

و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد.

در این آیه، تورات و انجیل، دو مصداق کتاب و حکمت هستند. رهبران جامعه

ابتدا دانش کافی و قوانین سازنده ای با خود می آورند و سپس دلایلی می آورند که با خدا در ارتباط هستند. در این آیه نیز قسمت اوّل یعنی کتاب و حکمت ذکر شده است.(1)

در تفسیر المیزان نیز آمده است که:

منظور از تورات، همان است که در الواح بر موسی علیه السلام نازل شد نه آن که

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 2، ص 554.

هم اینک نزد یهودیان است و مراد از انجیل نیز کتاب واحدی است که بر عیسی نازل شده و وحی مختص به او بوده است، پس با اناجیل اربعه تفاوت دارد(1)

«وَ إِذْ عَلَّمْتُکَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ التَّوْراهَ وَ الْإِنْجیلَ» (110 / مائده)

و (به یادآور) هنگامی که به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل را آموختم.

در تفسیر المیزان ذیل آیه فوق مطالبی عنوان شده است.

«اذ» برای کتاب و حکمت و تورات و انجیل تنها یک بار آمده است که می تواند

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 348.

به معنی این باشد که این علوم یکباره و بدون تدریج به عیسی علیه السلام القاء شده است.(1)

درباره این که «معلّمین کتاب و حکمت» چه کسانی هستند؟، در کتاب «عیسی در قرآن» آمده است: معلّم نخست کتاب و حکمت، خداست. آن گاه پیامبران خدا که

1 - تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ج 6، ص 349 و 350.

کتاب و حکمت از او آموخته اند، نخستین معلّم انسان هایند و صد البته که پیامبر گرامی اسلام، مبرّزترین و کامل ترین مصادیق تعلّم و تعلیم کتاب و حکمت است.(2)

و درباره ارتباط آن ها نیز مطالبی ذکر شده است.

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ج 6، ص 349 و 350.
2- عیسی در قرآن، آیه اللّه دکتر احمد بهشتی، انتشارات اطلاعات، تهران، ص 40.

تعلیم انجیل، همان تعلیم کتاب و تعلیم، تورات، همان تعلیم حکمت یا بخشی از آن است.(1)

در آیه دیگری از قرآن، خصوصیّات انجیل ذکر شده است.

«وَ قَفَّيْنا عَلی آثارِهِمْ بِعيسَی ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْراهِ وَ آتَيْناهُ الْإِنْجيلَ فيهِ هُدیً وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْراهِ وَ هُدیً

وَ مَوْعِظَهً لِلْمُتَّقينَ» (46 / مائده)

و از پس ایشان عیسی پسر مریم را فرستادیم، تصدیق کننده آنچه از تورات پیش روی اوست و به او انجیل دادیم که در آن بود راهنمایی و روشنایی و تصدیق کننده آنچه از تورات پیش روی او بود و راهنمایی و اندرزی باشد برای مؤمنان.

*****

1- عیسی در قرآن، آیه اللّه دکتر احمد بهشتی، انتشارات اطلاعات، تهران، ص 42.

نویسندگان تفسیر المیزان و تفسیر نمونه ذیل آیه فوق نوشته اند:

جمله اوّل موجود در آیه با توجه به معنی کلماتش این مفهوم را می رساند: «عیسی هم همان مسلکی را که انبیاء پیش از او رفته اند پیموده است که همان راه دعوت به توحید و تسلیم به خداست». منظور از انجیل، کتاب است و نه صرفا یک بشارت. آیات 145 / اعراف و 154 / اعراف راجع به کیفیت نزول تورات است و آیات 159 / شعراء و 21 / تکویر و 16 / عبس راجع به قرآن است امّا راجع به کیفیت

نزول انجیل و مشخصات آن در قرآن مطلبی نیامده است. «هدی» ی اوّلی، نوعی از معاد است که در باب عقاید باعث هدایت یافتن می شود و «هدی» ی دومی، نوعی از معارف است که به طرف تقوای در دین رهبری می کند، لذا «نور» همان احکام و قوانین فرعی است. پس منظور از «هدی» در توصیف تورات و «هدی» اوّلی در

ص:101

وصف انجیل، نوعی معارف اعتقادی چون توحید و معاد است و «هدی» دومی در وصف انجیل، نوعی پند است و منظور از «نور» در هر دو جا نوعی احکام و قوانین است. مطلب دیگر در آیه این است که تکرار «وَ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ التَّوْراهِ» به معنی این است که انجیل از شریعت تورات تبعیّت کرده است. (1)

جمله اوّل موجود در آیه یا به این مفهوم است که نشانه ای که در تورات راجع به عیسی ذکر شده دقیقا عیسی را با همان نشانه ها مبعوث کردیم و یا به این مفهوم است که عیسی به حقانیت تورات اعتراف کرد. نکته قابل توجه در آیه «نور» است که البته قرآن، از تورات و انجیل و قرآن به اسم نور نیز نام برده است البته تورات و انجیل

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ج 5، ص 525 الی 528.

واقعی امروزه تحریف شده اند. در انجیل نخست، «فیه هدی» گفته شده و سپس «هدی» آمده که این تفاوت ممکن است به خاطر آن باشد که در انجیل و کتاب های آسمانی دلایل هدایت بر هر کس هست ولی برای پرهیزکاران که با دقت در آن بیندیشند، باعث هدایت و تکامل است.(1)

4 پاکیزه شده از کفّار

«إِذْ قالَ اللَّهُ یا عیسی إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَ رافِعُکَ إِلَیَّ وَ مُطَهِّرُکَ مِنَ الَّذینَ کَفَرُوا» (55 / آل عمران)

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 4، ص 395الی 398.

هنگامی که خداوند گفت: ای عیسی! من تو را اخذ نموده به سمت خودم بالا برم و تو را از معاشرت کافران پاک کنم.

آیه فوق به عیسی بشارت می دهد که خدا تو را از کفار و معاندین نجات می دهد و این کار را با بالابردن تو به سمت خودش انجام می دهد در تفسیر نمونه آمده است که:

مراد از «مُطَهِّرُکَ مِنَ الَّذینَ کَفَرُوا» نجات از افراد پلید است و یا نجات از

تهمت های ناروا و توطئه های ناجوانمردانه و یا به معنی بیرون بردن مسیح از آن محیط آلوده است.(1)

*****

ص:104

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج 2، ص 569.

5 مبارک

یکی دیگر از الطاف خداوند بر مسیح، مبارک قراردادن اوست، یعنی همواره وجود او برای مردم منافع بسیاری دارد. مسیح این موضوع را در گهواره بیان می کند.

«وَ جَعَلَنی مُبارَکاً أَیْنَ ما کُنْتُ» (31 / مریم)

و هر کجا که باشم، مبارکم کرده است.

*****

معنی مبارک بودن عیسی این است که هر کجا که باشد، برای مردم منافع بسیاری دارد، علم به ایشان می آموزد و به عمل صالح دعوتشان می کند و کور و پیس را شفا می دهد و خیرهای دیگری که به مردم می رساند.(1)

*****

ص:105

1- تفسیر المیزان، علاّمه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 14، ص 67.

بانو امین نیز در کتاب مخزن العرفان می نویسد: عیسی می گوید خدا وجود او را طوری قرار داده که سبب خیر و برکت و تعلیم کننده افعال خیر و هدایت و سبب رستگاری مردم است.(1)

6 جبّار و شقی نبودن

«وَ لَمْ یَجْعَلْنی جَبّاراً شَقِیًّا» (32 / مریم)

و مرا گردن کش و شقی قرار نداده است.

ص:106

1- مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده های بی سرپرست اصفهان، ج 7، ص 110 و 111.

مسیح در گهواره به یکی دیگر از الطاف خداوند به خودش اشاره می کند که او جبّار و شقی نیست.

عیسی می گوید خداوند مرا جبّار قرار نداده یعنی به مردم چیزی را تحمیل نمی کنم و خیرخواه مردم هستم و مرا شقی قرار نداده یعنی پذیرای خیرخواه مردم هستم. (1)

*****

7 توصیه شده به نماز و زکات

«وَ أَوْصانی بِالصَّلاهِ وَ الزَّکاهِ ما دُمْتُ حَیًّا» (31 / مریم)

و تا زنده ام مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 14، ص 67.

جایگاه نماز و زکات آنقدر مهم است که عیسی در گهواره نیز یادآور آن می شود و به سفارش شدن به آن ها تأکید می کند.

در این آیه مشخص می شود که در شریعت عیسی، نماز و زکات تشریح شده و نمی توان گفت منظور از زکات، تزکیه و تطهیر نفس است.(1)

*****

8 توصیه شده به نیکی به مادر

توصیه کردن خداوند به نیکی کردن به مادر از الطاف الهی به مسیح است. مسیح در گهواره نیز این موضوع را متذکر می شود.

ص:108

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 14، ص 67.

«وَ بَرًّا بِوالِدَتی» (32 / مریم)

و نسبت به مادرم نیکوکارم کرده است.

تفسیر المیزان و مخزن العرفان ذیل آیه فوق نوشته اند:

عیسی می گوید: خدا مرا با مردم مهربان گردانیده است که یکی از مظاهر آن مهربان بودن با مادرم است. (1)

*****

خدا مرا با برکت قرارداد و بر مادرم نیکویی می کنم که نیکویی بر «مادر» بدین علّت گفته شده که مشخص شود عیسی، پدری ندارد تا مریم به زنا متهم نشود.(2)

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 14، ص 67.
2- مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده های بی سرپرست اصفهان، ج 8، ص 111.

ج وظایف عیسی

1 تصدیق کردن تورات

تأیید کردن تورات حقیقی (و نه تورات تحریف شده) از مسؤولیت هایی بود که خداوند به عیسی داده بود.

«وَ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَیَّ مِنَ التَّوْراهِ» (50 / آل عمران)

و تأیید کننده آنچه را پیش از من از تورات بوده هستم.

«وَ قَفَّيْنا عَلى آثارِهِمْ بِعيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْراهِ» (46 / مائده).

و از پس ایشان عیسی پسر مریم را فرستادیم، تصدیق کننده آنچه از تورات پیش روی اوست.

«إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَیَّ مِنَ التَّوْراهِ» (6 / صفّ)

ص:110

همانا من فرستاده خدا هستم به سوی شما، تصدیق کننده آنچه پیش از من از تورات بوده هستم.

با مطالعه سه آیه فوق به وضوح مشخص می شود که مسیح خواستار تحکیم بخشیدن به شریعت موسی و کتاب تورات است و خواستار تغییر اصول اعتقادی دین موسی نیست که البته این موضوع، در تمامی پیامبران، مشترک است: زیرا مباحثی مانند توحید، معاد، نبوت، نماز، زکات و ... در ادیان مختلف وجود دارد و تفاوت ها تنها در احکام است.

2 حل کردن اختلاف مردم

(صفحه 113)

یکی دیگر از وظایف مسیح، حل کردن بعضی از اختلاف های مردم است.

«وَ لِأُبَیِّنَ لَکُمْ بَعْضَ الَّذی تَخْتَلِفُونَ فیهِ» (64 / زخرف)

ص:111

و (آمده ام) تا قسمتی از آنچه را که در آن اختلاف دارید بیان کنم.

در رابطه با مقایسه این مسؤولیت مسیح با مسؤولیت پیامبر اسلام در کتاب عیسی در قرآن نکته ای بیان شده است.

در آیه فوق، نکته ای لطیف است. چرا که عیسی نمی گوید: «من آمده ام که همه موارد اختلاف را بیان کنم». بلکه می گوید: بعضی موارد اختلاف را. در حالی که درباره پیامبر گرامی اسلام می گوید:

«وَ نَزَّلْنا عَلَيْکَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَیْ ءٍ» (89 / نحل)

ما قرآن را بر تو نازل کردیم که مبیّن هرچیزی است.

از این جا فرق میان انجیل و قرآن و تفاوت میان دو رسالت عیسی و حضرت

محمد صلی الله علیه و آله را خوب می فهمیم.(1)

3 حلال کردن بعضی حرام ها

عیسی مسئولیت دیگر خود را این چنین بیان می کند.

«وَ لِأُحِلَّ لَکُمْ بَعْضَ الَّذی حُرِّمَ عَلَیْکُمْ» (50 / آل عمران)

و (آمده ام) تا بعضی چیزهایی که بر شما حرام بود را برایتان حلال کنم.

از آیه 160 نساء درمی یابیم که یهودیان به خاطر ظلمی که کرده بودند، خداوند

نعمت های حلال خود را بر آن ها حرام کرده بود. عیسی این نعمت ها را دوباره حلال

1- عیسی در قرآن، آیه اللّه دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، تهران، ص 224.

می کند.(1)

«فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذینَ هادُوا حَرَّمْنا عَلَیْهِمْ طَیِّباتٍ اُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَنْ سَبیلِ اللّهِ کَثیرًا» (160 / نساء)

پس به خاطر ظلم کسانی که یهودی شده بودند، پاکیزه هایی را که برایشان حلال کرده بودیم حرام کردیم و (نیز) به سبب این که مردم زیادی را از راه خدا بازداشتند.

اما اکنون که عیسی مبعوث شده است دوره حرام بودن آن حلال ها به اتمام رسیده است و خداوند بار دیگر آن ها را بر بنی اسراییل حلال می کند.

*****

ص:114

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3 ص 353.

4 بشارت به ظهور احمد

«وَ مُبَشِّراً بِرَسُولٍ يَأْتِى مِنْ بَعْدِى اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جاءَهُمْ بِالْبَيِّناتِ قالُوا هذا سِحْرٌ مُبينٌ» (6 / صفّ)

و به پیامبری بشارت می دهم که بعد از من می آید، اسمش احمد است. پس وقتی با نشانه های آشکار برایشان آمد، گفتند: این سحری آشکار است.

در کتاب تفسیر المیزان و مخزن العرفان ذیل آیه فوق نوشته اند:

عیسی مردم را به آمدن پیامبری بشارت می دهد. البته بشارت خبری است که شنونده از شنیدنش خوشحال شود و خوشحالی ای که شنونده در این بشارت عیسی پیدا می کند از این بابت است که با بعثت احمد صلی الله علیه و آله باب رحمت خداوند بر روی

انسان ها باز می شود و سعادت دنیا و عقباشان تأمین می شود، که این ملزوم است بر

این که دین احمد صلی الله علیه و آله کامل تر و جامع تر باشد. اگر در مقایسه دین اسلام و سایر ادیان گذشته نیز دقیق شویم درمی یابیم که اسلام، دقیق تر و کامل تر است مخصوصا توحیدی که در اسلام آمده بسیار دقیق است. همچنین شرایع و قوانین عملی اسلام که از کوچک ترین حرکات و سکنات فردی و اجتماعی انسان گرفته تا بزرگ ترین آن را در نظر گرفته و همه را تعدیل نموده است. از جمله «اسمه احمد» می توان دریافت که اهل تورات و انجیل او را به نام «احمد» می شناختند. البته، اناجیل کنونی (اناجیل اربعه) خالی از بشارت عیسی است که به خاطر صحیح نبودن مطالب آن هاست. مراد از «بیّنات» بشارت و معجزه قرآن و سایر معجزات نبوت است. بعضی گفته اند ضمیر

«جاء» به عیسی برمی گردد که این با سیاق آیه سازگار نیست.(1)

احمد به معنی ستایش گردیده شده در اخلاق و افعال است و یا به معنی ستایش کننده خدا است و شاید چون پیامبر مأمور شد تا خدا را نود و نه اسم ستایش نماید و به این نام ها و اسماء الحسنی او را به مردم بشناساند، نامش احمد شد. مرجع ضمیر جاء شاید پیامبر اسلام باشد و شاید عیسی علیه السلام باشد که با آن همه معجزات، یهودیان کارهایش را سحر پنداشتند.(2)

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، محمدی، ج 38، ص 153 الی 159.
2- مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده های بی سرپرست اصفهان، ج 13، ص 276 و 277.

فصل3: مسیحیّت

الف مسیحیّت اوّلیه

مسیحیّت اوّلیه

1 تورات واقعی و تحریف شدن آن

کتاب آسمانی موسی، تورات بوده است که البته با این توراتی که امروز رایج است، تفاوت دارد. تورات واقعی همان است که در الواح بر موسی نازل شد. درباره محتویات تورات، علامه طباطبایی معتقد است که احکام الهی در آن ذکر شده است. تورات چندین بار از نو نوشته شد. در زمانی که «بخت النصر» به سرزمین های یهودیان حمله ور شد به سربازانش دستور داد تا تمام تورات ها را از بین ببرند و بدین ترتیب، هیچ نسخه ای از تورات حقیقی به جای نماند. بعد از مدّتی که «کوروش» توانست بخت النصر را شکست دهد و بابل را تصرف کرد، «عُزَیْرْ» (که در ادامه داستانش می آید) که از بزرگان یهود بود، نزد کوروش رفت و برای یهودیان

ص:118

که از قبل تبعید شده بودند شفاعت طلبید، همچنین او توانست تورات را از نو بنویسد.

ناگفته نماند در زمان حمله بخت النصر، معبدهای یهودیان ویران شد و مردان یهود به قتل رسیدند و زنان و کودکانشان اسیر شدند و به بابل انتقال یافتند و حدود یک قرن در آن جا بودند. همچنین در سال 161 قبل از میلاد هنگامی که پادشاه سوریه، سرزمین های یهودیان را تصرف کرد دستور داد تا تورات ها را سوزاندند و در نتیجه بار دیگر همان توراتی که عزیر نوشته بود، از بین رفت. با این اوصاف واضح است که کتب تورات امروزی همان الواح موسی نیستند و تغییراتی پیدا کردند اما توراتی که در آیه 48 / آل عمران از آن نام برده شده و خدا آن را به مسیح تعلیم داده است همان تورات حقیقی است.

«وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْراةَ وَ الْإِنْجيلَ» (48 / آل عمران)

و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد.

ص:119

همین طور توراتی که مسیح، تأیید کننده آن است، تورات حقیقی است و نه تورات تحریف شده.

«وَ مُصَدِّقا لِما بَيْنَ يَدَیَّ مِنَ التَّوراةَ» (50 / آل عمران)

و تأیید کننده آنچه از پیش از من از تورات بوده، هستم.

2 انجیل حقیقی و اناجیل اربعه

واژه انجیل از «اِوَنْجِلیوم»(1) یونانی گرفته شده و در زبان انگلیسی «گاسپل»(2) گفته می شود. معنای لغوی آن مژده، بشارت و هر خبر نیک و خوش است و معنای

*****

1- Evangelism.
2- Gospel.

اصطلاحی آن، مجموعه کتاب ها و رساله هایی است که می گویند: از جانب خدای نور و محبت بر عیسای مسیح نازل شده است. این کتاب ها در احوال، اعمال، اقوال، معجزات و تعالیم حضرت مسیح سخن می گویند! (1)

کتاب مسیح، انجیل است که البته با اناجیل اربعه کنونی متفاوت است. آیاتی از قرآن که در زیر ذکر می شود، مرادشان از انجیل، انجیل حقیقی است و نه اناجیل اربعه کنونی.

«قالَ إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ آتانِیَ الْکِتابَ وَ جَعَلَنی نَبِیًّا» (30 / مریم)

گفت: همانا من بنده خدا هستم. به من کتاب داده است و مرا پیامبری قرار داده است.

*****

1- عیسی در قرآن، آیه اللّه دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، تهران، ص 14 و 15.

آیه فوق که در بخش اول کتاب نیز ذکر شد سخنان عیسی در گهواره است. در این جا مراد از کتاب، انجیل است. ذکر کتاب توسط عیسی آن هم در گهواره نشان از اهمیت زیاد انجیل دارد.

«وَ یُعَلِّمُهُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ التَّوْراهَ وَ الْإِنْجیلَ» (48 / آل عمران)

و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد.

در رابطه با آیه فوق در تفسیر المیزان آمده است:

منظور از انجیل نیز کتاب واحدی است که به عیسی علیه السلام نازل شده و وحی مختص به او بوده است، پس با اناجیل اربعه تفاوت دارد. در انجیل تنها مقداری از احکام ناسخه ذکر شده گرچه از آیه 47 / مائده می توان گفت که در انجیل به علاوه

ص:122

احکام ناسخه، احکام اثباتیه نیز موجود است.(1)

«وَ قَفَّيْنا بِعيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْناهُ الْإِنْجيلَ» (27 / حدید)

و از پی ایشان عیسی پسر مریم را آوردیم و به او انجیل دادیم.

در رابطه با اناجیل اربعه، آیت اللّه دکتر احمد بهشتی در کتاب عیسی در قرآن می نویسد:

در قرن چهارم میلادی امپراطور روم از میان 160 انجیل و رساله و کتب تاریخ، تنها 27 کتاب را انتخاب کرد و آن ها را به نام عهد جدید در برابر عهد عتیق قرارداد. بعدها انجمن مسیحیان کاتولیک، هرگونه شک و تردید درباره آسمانی بودن آن را

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 348 و 349.

تحریم کرد. (1)

به نظر اکثر صاحب نظران مسیحی انجیل مرقس قبل از اناجیل دیگر نوشته شده، اگرچه در مجموعه اناجیل کنونی در مرتبه دوم و بعد از انجیل متّی قرارگرفته است. انجیل لوقا که سومین انجیل مجموعه کنونی است، ظاهرا حدود 25 سال بعد از انجیل مرقس به نگارش درآمده و با انجیل متّی فاصله زمانی زیادی دارد. انجیل لوقا بر مبنای انجیل مرقس نوشته شده و مؤلفان آن ها به انجیل مرقس دسترسی داشته اند.(2)

انجیل یوحنا به لحاظ محتوا با سه انجیل دیگر فرق دارد. این انجیل که در اواخر

*****

1- عیسی در قرآن، آیه اللّه دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، ص 15.
2- عیسی در قرآن، آیه اللّه دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، ص 16.

قرن اول میلادی نوشته شده، بیشتر ارزش کلامی دارد. حال آن که سه انجیل دیگر

بیشتر به زندگی و تعالیم عیسی توجّه دارند. (1)

اما در مورد انجیل برنابا در کتاب عیسی در قرآن آمده است:

متن انجیل برنابا با قرآن و روایات اسلامی هماهنگی بیشتری دارد. نام مبارک پیامبر اسلام در این انجیل صریحا ذکر شده است و به همین جهت کلیسا آن را ممنوع کرد. مطابق نصّ این انجیل، عیسی کشته نشده و مصلوب نگردیده، بلکه شخص مصلوب همان «یهودای اسخریوطی» بوده است. (2)

*****

1- عیسی در قرآن، آیه اللّه دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، تهران، ص 17.
2- عیسی در قرآن، آیه اللّه دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، تهران، ص 18.

3 پیروزی همیشگی پیروان مسیح بر کفّار

«جاعِلُ الَّذینَ اتَّبَعُوکَ فَوْقَ الَّذینَ کَفَرُوا إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ ثُمَّ إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ فَأَحْکُمُ بَیْنَکُمْ فیما کُنْتُمْ فیهِ تَخْتَلِفُونَ» (55 / آل عمران)

پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری می دهم، پس آن گاه بازگشت شما به سوی من خواهد بود که به حقّ در آن چه بر سر آن با یکدیگر به خلاف و نزاع بر می خواستید حکم کنم.

درباره آیه فوق بحث های زیادی صورت گرفته است و سؤال های زیادی مطرح شده است. از جمله این که:

پیروان حقیقی مسیح در طول تاریخ چه کسانی هستند و آیا مسیحیان فعلی نیز جزء آن ها هستند؟

ص:126

منظور از «الَّذینَ کَفَرُوا» ، تنها یهودیان آن زمان است و یا کفّار تمامی عصرها

منظور از برتری (فَوْقَ) برتری مادی است یا معنوی؟

تفسیر ذیل آیه فوق در تفسیر المیزان و نمونه نوشته شده است.

می توان از آیه اینطور برداشت کرد که منظور از پیروان عیسی، نصارایی هستند که قبل از ظهور اسلام، بر آیین واقعی مسیحیّت بوده اند و بعد از ظهور اسلام نیز، تنها مسلمانان، جزء پیروان حقیقی عیسی هستند. ولی به نظر می رسد که آیه مطابق آن نباشد زیرا اخبار از مستقبل است. و خبر از اتفاقاتی در آینده نزدیک می دهد. اگر منظور از «تفوّق» داشتن پیروان حقیقی عیسی از نظر قدرت باشد خلاف واقع است و تاکنون چنین چیزی مشاهده نشده و اگر منظور «تفوّق» آن ها در آخرالزمان است هم با لفظ آیه سازش ندارد و اگر منظور «تفوّق» پیدا نمودن پیروان حقیقی اش از نظر

کثرت عدد است که هم خلاف واقع است و هم با لفظ آیه سازش ندارد. «الَّذینَ

@اتَّبَعُوا» و «الَّذینَ کَفَرُوا» هر دو جمله فعلیه اند و از طرفی وقتی عملی از بعضی افرادی که یک دسته سرزند و بقیه بر آن رضایت دهند، آن فعل را به همه نسبت می دهند، لذا «الَّذینَ کَفَرُوا» جمعیت یهود را مشخص می کند و «اَلَّذینَ اتَّبَعُوا» جمعیت نصاری را شامل می شود. نظر دیگر این است که مراد از «الذین اتبعوا» نصاری و مسلمین هستند.(1)

خدا به مسیح بشارت می دهد که پیروانش را تا روز رستاخیز بر کافران برتری می دهد که در دنیای کنونی نیز این مسئله مشخص است زیرا یهود و صهیونیست ها

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 361 الی 367.

بدون وابستگی به مسیحیان نمی توانند به حیات سیاسی و اجتماعی خود ادامه دهند.

در آیه مشخص است که مراد از «الذین کفروا» جماعتی از یهود است که به مسیح کافر شده اند. مبحثی که در این جا مطرح است این است که آیا وجود آیین مسیح تا پایان جهان ممکن است یا این که بعد از ظهور حضرت مهدی (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) همگان مسلمان اند. در جواب باید گفت وجود اقلیتی یهودی و مسیحی با شرایط «اهل ذِمَّه» در حکومت حضرت مهدی هیچ منافاتی با روایات راجع به ایشان ندارد. (1)

در مجموع به نظر می رسد مراد کلی از آیه فوق این است که همواره «مؤمنان» بر

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 570 و 571.

«گنهکاران» پیروزاند که این پیروزی یا به صورت آشکار است (مانند جنگ بدر) و یا اگر

ظاهرا مؤمنین پیروز نشوند و شکست بخورند، باز هم «تلاش برای رضای خدا» و «پاداشی که خدا در راه مجاهدتشان به آن ها می دهد» برایشان پیروزی حقیقی است (مانند جنگ احد).

مؤمنان این سرمایه عظیمشان را که «ایمان عمیق به خدا» است را حاضر نیستند با تمام ثروت ها و مقام ها و لذات دنیوی عوض کنند.

4 رهبانیت و شکل گیری آن

«رُهبان» جمع «راهِب» به معنی کسانی است که برای ترک دنیا در دیرها سکونت دارند و به عبادت می پردازند.(1) رهبانیت از ماده «رَهبت» به معنای

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 7، ص 365.

خشیت و ترس است.(1)

در تفسیر مخزن العرفان راجع به رهبان و شکل گیری رهبانیت مطالبی ذکر شده است.

رهبان کسی است که در منتهی درجه زهد و درستکاری باشد. به معنی عرفی شخصی از نصاری را گویند که برای عبادت و تحصیل زهد از خلق جدا شود و در گوشه ای منزوی گردد که البته این رسم را خدا برای آن ها واجب نکرده بود. طبرسی در مجمع البیان نقل می کند که پیامبر فرمود: بعد از عیسی جبّاران و گردن کشان آشکارا مرتکب فسق و گناه می شدند لذا مؤمنین سه بار با آن ها جنگیدند که در نتیجه

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 37، ص 362.

بسیاری از مؤمنین کشته شدند و معدودی از آن ها که باقی ماندند تصمیم گرفتند که دیگر جنگ نکنند تا کشته شوند و از اهل توحید کسی نماند لذا در کوه هایی رفتند و به عبادت مشغول شدند. این بود منشأ شکل گیری رهبانیت در بین نصاری. طبرسی در مجمع البیان نقل می کند که پیامبر به ابن مسعود فرمود: هفتاد و دو فرقه قبل از شما بودند که تنها دو فرقه آن ها نجات یافتند یکی از آن دو، فرقه ای بودند که با «جبابره» مقاتله کردند و کشته شدند و فرقه دیگر آن هایی هستند که منتشر در بلاد و مترهب گردید که همان هایی اند که قرآن گفت «رهبانیه ابتدعوها». هر کس به من ایمان آورد و نبوّت من را تصدیق کند و مرا پیروی کند، درباره چنین کسی «رعاها حق رعایتها»

ص:132

صادق است. (1)

*****

در ادامه، راجع به انحراف رهبانیت نیز مطالبی ارائه خواهد شد.

ب اعتقادات مسیحیت

1 تثلیث

تثلیث از عقاید اساسی و مهم مسیحیت است. به این معنی است که سه خدا وجود دارد. خدای پدر، خدای پسر و روح القدس. البته مسیحیان معتقدند که این سه خدا در

1- مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده های بی سرپرست اصفهان، ج 13، ص 166 و 167.

واقع یکی هستند و سه خدا با یک خدا فرقی نمی کند. طبیعتا همچنین اعتقادی که با منطق و ریاضیات هیچ انطباقی ندارد، ذهن مخاطب را به این تئوری سوق می دهد که

دین با عقل سازگار نیست و دین فقط جنبه تعبّدی دارد و تفکر در تثلیث جایز نیست. در تفسیر نمونه نیز این مطلب یادآوری شده است.

مسأله بسیار مهم در مسیحیت، «تثلیث» است که مشکلات زیادی برای آن ها درست کرده است زیرا آن ها معتقدند خدا سه تاست و در عین حال معتقدند خدا یکی است که این موضوع به هیچ وجه با عقل جور در نمی آید و این مسأله باعث می شود تا تضاد علم و مذهب در مسیحیت آشکار شود که بسیار خطرناک است(1)

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 4، ص 224 و 225.

درباره این که، تثلیث اعتقاد پایه ای و اصلی مسیحیت است یا خیر بعضی از مفسّرین تردید کرده اند که در تفسیر نمونه این مسأله مورد بررسی کوتاهی قرار گرفته است.

بعضی از مفسّرین مانند فخر رازی پنداشته اند که نصاری با صراحت، عقیده اتّحاد خدا و مسیح را ابراز نمی کنند که این اعتقاد آن ها به خاطر عدم احاطه کافی به کتب مسیحیت است وگرنه منابع موجود مسیحیت با صراحت «وحدت در تثلیث» را بیان می کند.(1)

در قرآن کریم تثلیث با قاطعیت رد شده است.

«يا أَهْلَ الْكِتابِ لا تَغْلُوا في دينِكُمْ ... وَ لا تَقُولُوا ثَلاثَةٌ انْتَهُوا خَيْراً لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلهٌ واحِدٌ سُبْحانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ» (171 / نساء)

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 4، ص 325 و 326.

ای اهل کتاب در دینتان غلو نکنید ... و نگویید سه تا (خدا) هستند. بس کنید که برای شما بهتر است. فقط و فقط، خداوند، خدای یکتاست. او منزّه از آن است که فرزندی داشته باشد.

در تفسیر نمونه مطلبی درباره شروع تثلیث آمده است که ذیل آیه 51 / آل عمران است.

در آیات دیگر قرآن نیز می خوانیم که عیسی بر روی بندگی خود تکیه فرموده است که این برخلاف انجیل های موجود است و لذا تا زمان حیاتش و حتّی دو قرن پس از او نیز خدا بودن عیسی مطرح نشد و به اعتراف محققان مسیحی مسأله تثلیث از قرن سوم میلادی آغاز شد.(1)

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 561.

2 مسیح، فدایی گناهان مردم

مسیحیان معتقدند عیسی برای باز خرید گناهان مردم آمده است، به خاطر آن به صلیب کشیده شده است و هر کس به او بپیوندد تنها راه نجات را یافته است. در انجیل می خوانیم:

بعد از آن که مسیح فرمود که خدا از قربانی های گوناگون و هدایایی که طبق شریعت و روش قدیم تقدیم می شود، راضی نیست. چنین گفت: «اینک آمده ام تا جان خود را فدا سازم». به این ترتیب روش سابق را لغو می کند تا روش جدیدی بنیاد نهد. طبق این روش و طرح جدید، مسیح یک بار جان خود را در راه ما فدا کرد تا ما را ببخشد و پاک نماید. مطابق شریعت و روش سابق، کاهنان هر روز در مقابل قربانگاه می ایستند و قربانی هایی تقدیم می کنند که هرگز نمی توانند گناهان را

برطرف نمایند. اما مسیح خود را فقط یک بار به عنوان قربانی به خدا تقدیم کرد تا گناهان را بیامرزد و پس از آن در بالاترین مکان عزت و افتخار، به دست راست خدا نشست و منتظر است تا دشمنانش به زیر پاهای او افکنده شوند. او با یک قربانی، همه آنانی را که از گناهانشان پاک می شوند، تا ابد کامل می گرداند. (1)

با دقّت در این اعتقاد مسیحیت درمی یابیم که این اعتقاد مروج فساد و گناه است. زیرا وقتی انسان ها اطمینان حاصل پیدا می کنند که در هر حال رستگار می شوند، آن هم به خاطر مصلوب شدن یک فرد دیگر، پس چه در حالی که گناهی از آن ها سربزند

*****

1- ترجمه تفسیری عهد جدید، نامه ای به مسیحیان یهودی نژاد (عبرانیان)، باب 10، بند 8 الی 14.

و چه سر نزد، رستگار و سعادتمند هستند. در این حال تفاوتی بین کار نیک انجام دادن و کار بد و ناپسند انجام دادن نیست و یا حتّی در ذهن فردی این مطلب می تواند خطور کند که:

«حال که من سعادتمند و بهشتی هستم، پس در دنیا به خواسته های نفسانی و لذّات شیطانی ام پاسخ مثبت دهم تا هم کِیفِ این دنیا را کرده باشد و هم آن دنیا را.»

نکاتی پیرامون فدا شدن مسیح در تفسیر نمونه ذکر شده است.

دلایل رد نظریه «مسیح، فدایی مردم»:

1 مسیح پیامبری مثل بقیه پیامبران بود و خداوند، نظیر و شبیه و مانند خود ندارد.

2 راه نجات تنها ایمان و عمل صالح خود انسان است و نه قربانی گناهان دیگری شدن.

3 عقیده «فدا شدن

ص:139

مسیح» مشوق فساد و گناه است.(1)

مطالعه احادیثی که در کتب شیعه درباره «پاداش محبّین اهل بیت» نقل شده است نیز، نیازمند دقّت و ظرافت خاصی است و اِلاّ می تواند نتیجه ای شبیه نتیجه فدا شدن مسیح داشته باشد. به طور مثال هنگامی که حدیثی با این مضمون را می خوانیم که «هر کس بر حسین علیه السلام گریه کند بهشت بر او واجب می شود». نباید به طور ناخودآگاه این خیال خام در ذهن ما ایجاد شود که:

«پس می توان در طول سال تنها دهه اوّل ماه محرّم را بر امام حسین گریه کرد و کارهای نیک انجام داد اما مابقی سال را هر گناهی که خواستیم انجام دهیم. مگر در

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 4، ص 200.

حدیث نیامده است که گریه بر امام حسین ما را وارد بهشت می کند که البته حدیث هم از زبان معصوم است و معصوم هم راستگو است. انشاءاللّه خود آقا امام حسین در روزت قیامت شفاعتمان می کند».

البته اعتقاد فوق در جامعه شیعیان رواج دارد. کم نیستند افرادی که همه ساله در مراسم مذهبی شرکت می کنند و سینه می زنند و در خیابان ها زنجیر می زنند و یا کسانی که با برپایی این مراسم هزینه های بسیاری را متقبل می شوند، اما به راحتی دروغ می گویند و غیبت می کنند. به آسانی رشوه می دهند و می گیرند. وقتی به زیردست خود می رسند، متکبرانه برخورد می کنند. هنگامی که نیازمندی به آن ها رجوع می کند، توجهی ندارند و با همه این خصوصیات، چون بر امام حسین گریه کردند به نظرشان افراد مذهبی هم هستند. آن ها تمام دین را به پوسته و ظاهرش می نگرند و به

ص:141

عمق و کنه معارف والا و نجات بخش اسلام توجهی ندارند. البته این مبحث، بسیار عمیق و ضروری است که در این جا نمی گنجد.

3 پرستش مریم

«وَ إِذْ قالَ اللَّهُ یا عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونی وَ أُمِّیَ إِلهَیْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قالَ سُبْحانَکَ» (116 / مائده)

و هنگامی که خدا گفت: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی مرا و مادرم را غیر از خدا دو معبود بگیرند؟ (عیسی) گفت: تو منزّهی.

در آیه فوق که مکالمات روز قیامت را نشان می دهد خداوند از عیسی سؤال می کند که آیا تو گفتی مردم تو و مادرت را خدا بگیرند. مسلّما سؤال خداوند به

ص:142

معنای ندانستن او از جواب این سؤال نیست که مباحث کامل تر در قسمت های بعدی خواهد آمد. اما در این جا به بررسی این سؤال می پردازیم که «آیا مسیحیان مریم را

خدا می دانند و او را پرستش و عبادت می کنند؟» نظر مفسّران را در این رابطه می خوانیم:

با توجه به اعتقاد مسیحیت درمی یابیم که آن ها مریم را خدا نمی گرفتند. ه.ج فلز در مجمل التاریخ می نویسد: عبادت کردن مریم و مسیح صحیح نیست زیرا در انجیل مرقس عبادت و پرستش غیر خدای یکتا نهی شده است ولی عبادتی که مسیحیان نسبت به مریم انجام

می دهند چند نوع است.

1 نمازی که مشتمل بر دعا و استغاثه و استشفاء است.

2 روزه ای که آن را به مریم نسبت می دهند و به نام وی نیز نامیده می شود. این عبادت توأم با خشوع در برابر مجسمه و بلکه صورت خیالی مریم انجام می شود و معتقدند مریم دارای سلطنت غیبی ای است که می تواند بدون وساطت فرزندش نسبت به امور دنیا و آخرت مردم نفع و ضرر برساند. و تصریح کرده اند که

پرستش مریم واجب است لیکن در عین حال از هیچ یک از فِرَق آن ها دیده نشده که کلمه «اله» را بر مریم اطلاق کنند.(1)

مسیحیان مریم را خدا نمی دانستند ولی در برابر مجسمه او عبادت می کردند. گرچه مسیحیان کلمه «اله و معبود» را بر مریم اطلاق نمی کردند، اما عملاً مراسم نیایش و پرستش را در برابر او دارند.(2)

*****

ص:144

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 6، ص 385.
2- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 5، ص 136.

4 اطاعت بی قید و شرط از راهبان

با گذشت زمان، راهب ها نزد مسیحیان، قداست خاصّی پیدا کردند و تنها مرجع

تصمیم گیری نصاری شدند. نصاری بدون تعقّل و تفکر از آن ها پیروی می کردند تا جایی که برای آن ها اختیار تغییر قوانین الهی را قائل بودند.

«اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسيحَ ابْنَ مَرْيَمَ» (31 / توبه)

دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند و (همچنین) مسیح پسر مریم را.

در ذیل آیه فوق تفسیر المیزان و تفسیر نمونه نوشته اند:

یهودیان و مسیحیان، بدون هیچ قید و شرط از احبار و راهبان پیروی می کنند که

ص:145

این نوع پیروی را فقط باید از خدا کرد. نکاتی پیرامون آیه: 1 اطاعت «بدون قید و شرط» هر چیز مساوی با «رب» دانستن آن چیز است و اطاعت هم وقتی به طور

استقلال باشد، خود عبادت و پرستش است و لذا شخص مطاع بدون قید و شرط و به نحو استقلال اله است، زیرا «اله» کسی است که سزاوار عبادت باشد.

2 هرجا در قرآن به عبادت خدای واحد دعوت شده (مثل آیه 25 / انبیاء و آیه 213 / شعراء)، مقصودش نهی از اطاعت غیر او نیز هست. لذا اعتقاد به این که جز اله واحدی را نپرستید توحید را نمی رساند بلکه باید معتقد بود: «آن الهی را بپرستید که جز او الهی نیست».(1)

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 9، ص 375الی 377.

مسلّما یهود و نصاری در برابر علما و راهبان سجده نمی کردند و برایشان نماز و روزه و سایر عبادات انجام نمی دادند ولی به خاطر تسلیم شدن بی قید و شرط و

پیروی از احکام آن ها که مخالف احکام خدا بوده قرآن به آنان کلمه «رب» را اتخاذ کرده است. روایتی در این باب نیز از امام باقر و امام صادق نیز نقل شده است. روایت دیگری نیز از پیامبر راجع به این موضوع نقل شده است. لذا اگر کسی قانونی برخلاف قانون خدا درست کند، کسی که آن را به رسمیت می شناسد، یک نوع شرک عملی و یا پرستش غیر خدا کرده است. در حالی که در بین یهود و نصاری برای پیشوایان اختیار تغییر قوانین الهی به صلاحدید آن ها را قائل بودند. در این آیه درس بسیار آموزنده ای وجود دارد مبنی بر این که همه اطاعت ها باید در چهارچوب اطاعت خدا درآید و پیروی از دستور انسانی تا آن جا مجاز است که با قوانین خدا

ص:147

مخالفت نداشته باشد.(1)

*****

در آیه دیگری از قرآن، خبر لعنت شدن جمعی از بنی اسراییل به زبان داود و عیسی نقل شده است که می تواند این موضوع را به نصاری گوشزد کند که گذشتگان شما هرچه می کردند، لزوما صحیح نبوده است و قداست خاصی نباید برای آن ها قایل شوید تا به تقلیدهای کورکورانه روی آورید و در نتیجه به سرنوشت شوم آن ها دچار شوید.

«لُعِنَ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ بَنی إِسْرائیلَ عَلی لِسانِ داوُدَ وَ عیسَی ابْنِ مَرْیَمَ ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُونَ» (78 / مائده)

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 7، ص 365 الی 367.

جمعی از بنی اسراییل که کفر ورزیدند از زبان داود و عیسی پسر مریم لعنت شدند، زیرا نافرمانی کردند و از تجاوز کنندگان بودند.

ذیل آیه فوق در تفسیر نمونه مطالبی عنوان شده است.

در این آیه برای جلوگیری از تقلیدهای کورکورانه اهل کتاب از پیشینیان به سرنوشت شوم آن ها اشاره می کند که مورد لعنت پیامبرشان واقع شده اند. ولی درباره این که چرا تنها نام این دو پیامبر آورده شده نظرات متفاوتی مطرح است. 1 آن دو سرشناس ترین پیامبران بعد از موسی بودند. 2 بسیاری از اهل کتاب افتخار می کردند که فرزند داود هستند و در این جا مشخص می شود داود از کفار متنفر بود.(1)

*****

ص:149

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 5، ص 42 و 43.

ج نکاتی در رد الوهیت مسیح

1 مقایسه عیسی و آدم

مقایسه عیسی و آدم که هر دو پدر نداشتند (و حتی آدم، مادر نیز نداشت) می تواند جواب شفاف و قابل قبولی برای مدّعیان الوهیت مسیح باشد، زیرا آن ها «تولّد خارق العاده» و «نداشتن پدر» عیسی را دلایلی بر الوهیّت او می دانند.

«إِنَّ مَثَلَ عیسی عِنْدَ اللَّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ» (59 / آل عمران)

همانا مثل عیسی نزد خداوند همچون آدم است که او را از خاک آفرید سپس به او گفت: موجود باش. او هم فورا موجود شد.

ذیل آیه فوق مطالب دو تفسیر را می خوانیم.

شأن نزول آیه بدین ترتیب است که جمعیتی 60 نفری از مسیحیان نجران برای

ص:150

گفتگو با پیامبر وارد مدینه شدند. پیامبر در جواب سؤال آن ها که «ما را به چه چیز دعوت می کنی؟» بود، گفت: «به سوی خدای یگانه و این که از طرف او رسالت خلق را دارم و مسیح بنده ای از بندگان اوست و حالات بشری دارد و مانند دیگران غذا می خورد.» آن ها نپذیرفتند و تولّد خارق العاده عیسی را دلیل بر الوهیت او خواندند تا این که این آیات نازل شد و ماجرای مباهله پیش آمد. خداوند در این آیه به ادعای مسیحیان پاسخ می دهد که اگر عیسی پدر نداشت، آدم هم پدر و هم مادر نداشت. پس دلیلی بر فرزندی خدا یا عین خدا بودن مسیح وجود ندارد و تولد خارق العاده عیسی هیچ کار مشکلی برای خدا نبود و اصلاً کار سخت و مشکل برای خدا معنی ندارد. برای او آفریدن یک برگ با آفرینش یک جنگل در هزاران کیلومتر یکسان است. (1)

*****

ص:151

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 575 و 576.

از آیه نتیجه می شود که خلقت عیسی مانند خلقت آدم طبیعی است گرچه ظاهرا خارق العاده است. در این آیه به این موضوع تأکید می شود که آفریدن چیزی توسط خدا به اسباب و لوازم نیاز ندارد تا به خاطر اختلاف اسباب، خلق نمودن برای خدا آسان و مشکل و یا ممکن و محال یا نزدیک و دور شود.(1)

2 غذا خوردن عیسی و مریم

«مَا الْمَسِیحُ ابْنُ مَرْیَمَ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَ أُمُّهُ صِدِّیقَهٌکانا یَأْکُلانِ الطَّعامَ» (75 / مائده)

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی 7 ج 3، ص 370 و 371.

مسیح پسر مریم، نبود جز پیامبری که پیش از او پیامبرانی در گذشته است و مادرش زن راستگویی بود. آن دو خوراک می خوردند.

دلیل روشن دیگری بر نفی الوهیت عیسی، غذاخوردن او بود زیرا خداوند هیچ گاه نیازی ندارد که یکی از نیازها می تواند نیاز به غذا خوردن باشد پس اگر عیسی و مریم خدا بودند هیچ گاه، نیازی نداشتند، پس غذایی هم نمی خوردند.

در تفاسیر المیزان و نمونه آمده است:

مسیح، همانند سایر پیامبران بوده است و مادرش هم بشری بود صدیقه که آیات خدا را تصدیق کرده این مادر و فرزند هر دو طعام می خوردند و طعام خوردن برای این است که به آن نیاز دارند و نیاز داشتن دلیلی بر مخلوقیت است. در اناجیل کنونی

نیز ذکر شده است که مریم دختری مؤمن بوده و عیسی از مریم متولّد شده است و

ص:153

همین طور ذکر شده است که عیسی مانند بقیه فرستادگان خدا بوده است و آن دو مثل سایرین غذا می خوردند. این آیه می تواند در این مقام باشد که الوهیت را از مسیح و مادرش نفی کند و یا در این مقام باشد که مردم را از خضوع زیاد در برابر مسیح و مادرش جلوگیری کند.(1)

در ابتدای آیه اشاره شده است به تفاوت نداشتن مسیح علیه السلام و سایر پیامبران که دلیلی است بر ردّ الوهیت مسیح. سپس به مادر او اشاره می شود و این که عیسی هم مانند بقیه انسان ها، در رحم زنی پرورش یافت که خود دلیل بر نیازمند بودن اوست.

*****

مریم هم به خاطر هماهنگ بودن با مسیح در راه رسالتش محترم است و نباید همچون

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی 7 ج 6، ص 119 الی 121.

یک معبود با او برخورد کرد. سپس به یکی دیگر از دلایل نفی ربوبیت مسیح اشاره می کند که همان غذا خوردن است. مسلّما غذا خوردن دلیلی است بر نیازمندی.(1)

3 تأکید مسیح بر بنده خدا بودنش

عیسی بارها تأکید کرده است که «اَللّه» ، رب اوست و او در مقابل پروردگار خویش، بنده ای بیش نیست. او بار اوّل این سخن را در گهواره گفت.

«قالَ إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ» (30 / مریم)

*****

گفت همانا من بنده خدا هستم.

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 5، ص 38 و 39.

اوّلین کلامی که عیسی در زندگی اش گفت «إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ ِ» بود که نشان از اهمیّت این موضوع دارد. شاید به دلیل اهمیّت بندگی انسان در مقابل خدا این سخن را گفت و شاید هم برای جلوگیری از این که بعدا او را به عنوان خداوند، پرستش و عبادت نکنند. در آیه دیگری صریحا اعلام شده است که مسیح از بنده خدا بودنش هرگز سرپیچی نمی کرد.

«لَنْ یَسْتَنْکِفَ الْمَسیحُ أَنْ یَکُونَ عَبْداً لِلَّهِ» (172 / نساء)

مسیح، هرگز از این که بنده ای برای خدا باشد سرپیچی نمی کند.

در تفسیر نمونه و تفسیر المیزان ذیل آیه فوق مطالبی بدین ترتیب ذکر شده است.

جمعی از مفسّران در شأن نزول این آیه می گویند طایفه ای از مسیحیان نجران به

پیامبر گفتند: چرا نسبت به عیسی خورده می گیری و او را بنده و پیامبر خدا می دانی که

در این موقع، این آیه نازل شد. این آیه به مسیحیان می فهماند که خود عیسی معترف بر بنده بودنش است.(1)

بنده خدا بودن عیسی مطلبی است که در اناجیل رایج است و نصاری منکر آن نیستند(2)

در آیه 51 / آل عمران و 64 / زخرف نیز مسیح می گوید اللّه، ربّش است.

«إِنَّ اللَّهَ رَبِّی وَ رَبُّکُمْ» (51 / آل عمران)

*****

همانا خداوند پروردگار من و پروردگار شماست.

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 4، ص 230 و 231.
2- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 5، ص 234.

چون عیسی به واسطه معجزات خاصش احتمال می داد که مردم به خداوندی او معتقد شوند لذا «رَبّی» را می آورد و البته این جمله را خدا به او امر کرده بود تا بگوید، که دلیل آن آیه 117 / مائده است.(1)

عیسی علیه السلام به خاطر رفع هرگونه ابهام و دستاویز قرار ندادن تولد استثنایی او برای خدا قرار دادنش می گوید که خداوند پروردگار من و شماست.(2)

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّی وَ رَبُّکُمْ» (64 / زخرف)

*****

همانا خداوند، اوست پروردگار من و پروردگار شما.

ص:158

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 3، ص 354.
2- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 560.

عیسی برای آن که کسانی که معجزات خارق العاده اش را دیده اند، شک به الوهیت او نکنند قید می کند که خداوند، پروردگار او نیز است و این طور اتمام حجّت می کند(1)

4 تأکید بر «بِإِذْنِ اللَّهِ» در وقوع معجزات

عیسی، معجزات خارق العاده ای انجام می داد و همانطور که در بخش اوّل گفته شد، معجزات او به دلیل ارتباط با روح و حیات انسان با پیامبران دیگر متفاوت بود

*****

بنابراین، مسأله خدا بودن عیسی می توانست در فکر بینندگان معجزه نقش ببندد. اما

1- مخزن العرفان، بانو امین، انجمن حمایت از خانواده های بی سرپرست اصفهان، ج 12، ص 41 و 42.

عیسی وقتی معجزاتش را بیان می کند «بِإِذْنِ اللَّهِ » را نیز ذکر می کند تا الوهیتش را نفی کند و مخاطب متوجه شود تمامی این معجزات فقط و فقط به اجازه خداوند است و مسیح به تنهایی قادر به انجام آن ها نیست.

«أَنِّی أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّینِ كَهَیْئَهِ الطَّیْرِ فَأَنْفُخُ فیهِ فَیَكُونُ طَیْراً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْیِ الْمَوْتی بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُنَبِّئُكُمْ بِما تَأْكُلُونَ وَ ما تَدَّخِرُونَ فی بُیُوتِكُمْ» (49 / آل عمران)

همانا من نشانه ای از پروردگارتان برایتان آورده ام من از گِل چیزی شبیه پرنده برای شما می سازم سپس در آن می دمم، پس آن به اذن خدا پرنده می شود و کور مادرزاد و مبتلایان به برص را بهبود می بخشم و مردگان را به اذن خدا زنده

می کنم و از آنچه می خورید و در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم.

ص:160

در این آیه چهار معجزه ذکر شده است که برای دو مورد آن «بِإِذْنِ اللَّهِ » آمده شده که علّت آن (همانطور که در بخش اوّل گفته شد) این است که خلق پرنده و زنده کردن مرده شبهه خدا بودن مسیح را بیش از معجزات دیگر در ذهن تداعی می کند. امّا در آیه 110 / مائده، برای شفای کور مادرزاد و پیس هم «بِإِذْنِ اللَّهِ » (بِإِذْنی) ذکر شده است، زیرا مخاطب آن آیه مردم نیستند بلکه عیسی علیه السلام است.

5 تأکید بر «ابن مریم»

دلیل دیگری بر نفی الوهیت عیسی، این است که او دارای مادر است. فردی که، فرزند شخص دیگری است و در رحم او بوده است، «نیازمند» است و طبیعتا شخص

نیازمند نمی تواند خدا باشد و مسلّما خدا مادر ندارد. در قرآن «25» بار نام عیسی

ص:161

آمده است که «16» بار آن همراه مریم است یعنی از عبارت «عیسی ابن مریم» استفاده شده است. آیاتی که از عبارت «عیسی ابن مریم» در آن ها استفاده شده است، عبارتند از:

87 / بقره 253 / بقره 45 / آل عمران 157 / نساء

171 / نساء 46 / مائده 76 / مائده 110 / مائده

112 / مائده 114 / مائده 116 / مائده 34 / مریم

7 / احزاب 27 / حدید 6 / صفّ 14 / صفّ

ص:162

همچنین در قرآن «11» بار نام مسیح آمده است که «5» بار به صورت «مسیح ابن مریم» ذکر شده است. این آیات عبارتند از:

17 / مائده (2 بار) 72 / مائده 75 / مائده 31 / توبه.

در مجموع «21» بار نام عیسی یا مسیح همراه مادرش آمده است که از مجموع «36» باری که نام عیسی و مسیح در قرآن ذکر شده است رقم قابل توجهی است.

به عبارتی دیگر «127» مواردی که نام عیسی (عیسی یا مسیح) در قرآن برده شده است، نام مریم نیز به عنوان مادرش بعد از نام او ذکر شده است.

6 برای خدا واژه «سختی» وجود ندارد

اگر باور داشته باشیم که برای خدا، هیچ کاری سخت نیست و هر کاری که در ذهن

ص:163

ما متصور شود برای او آسان است، آن وقت تولد خارق العاده عیسی نیز کاری دست نیافتنی و محال جلوه نخواهد کرد. زیرا برای او انجام دادن کاری که در ذهن ما بسیار مشکل است با کاری که در ذهن ما بسیار آسان جلوه می کند، هیچ تفاوتی ندارد. او اگر بخواهد هرچیزی را موجود کند تنها کافی است بخواهد و همان لحظه که خواست او بر موجود بودن چیزی تعلّق گرفت، آن چیز موجود می شود. او مالک آسمان ها و زمین است و بر هر کاری قادر و توانا.

«قُلْ فَمَنْ یَمْلِکُ مِنَ اللَّهِ شَیْئاً إِنْ أَرادَ أَنْ یُهْلِکَ الْمَسیحَ ابْنَ مَرْیَمَ وَ أُمَّهُ وَ مَنْ فِی الْأَرْضِ جَمیعاً وَ لِلَّهِ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ» (17 / مائده).

بگو اگر خدا بخواهد مسیح پسر مریم و مادرش و هر کس روی زمین است،

ص:164

تمامی شان را هلاک کند. چه کسی بر خدا تسلّط دارد؟ و فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه میان آن هاست، برای خداست. هرچه را می خواهد، می آفریند و خداوند بر تمام کارها تواناست.

آیه فوق نشان دهنده قدرت لایتناهی خداوند در مقابل تمامی مخلوقاتش (حتّی عیسی و مریم) است. در تفسیر المیزان آمده است:

«ابن مریم» و «امّه» و «من فی الارض جمیعا» که در آیه آمده است مشخص می کند که از جهت قدرت خداوند بر آن ها تفاوتی نیست و مریم و عیسی با بقیه کسانی که در زمین هستند تفاوتی ندارند. (1)

*****

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 5، ص 383.

در تفسیر نمونه ذیل آیه فوق مطالبی نوشته شده است:

در این آیه به «بنده بودن» و «پسر مریم بودن» عیسی اشاره شده است و این که چطور بنده خدایی که برایش تصور نیستی می رود می تواند خدای ازلی و ابدی باشد و یا به تعبیر دیگر اگر مسیح خدا باشد آفریدگار جهان نمی تواند او را هلاک کند پس قدرتش محدود است لذا خدا نیست. تکرار کلمه «مسیح ابن مریم» اشاره به این است که مسیحیان نیز معترف به فرزند مریم بودن مسیح هستند. نکته دیگر در آیه آوردن «امّه» است به خاطر این که مشخص شود عیسی و مادرش با کل مردم جهان تفاوتی ندارند در حالی که مسیحیان به هنگام پرستش، مریم را هم می پرستیدند. در

ص:166

پایان آیه «یخلق ما یشاء» آمده که اشاره به تولد خارق العاده مسیح است(1)

«إِنَّ مَثَلَ عیسی عِنْدَ اللَّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ» (59 / آل عمران)

همانا مثل عیسی نزد خداوند، همچون آدم است که او را از خاک آفرید سپس به او گفت: موجود باش. او هم فورا موجود شد.

آیه فوق مشخص کننده این است که از زمانی که خداوند تصمیمی بر موجودیت کسی بگیرد تا وقتی که آن کس، موجود شود، لحظه ای وجود ندارد. البته این قدرت خدا منحصر به موجود کردن شخص یا چیزی نیست بلکه هر کاری را که خدا بخواهد

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 4، ص 326 و 327.

انجام دهد همان وقتی که خواسته است آن کار انجام می شود بدون هیچ گونه مشکل

و ناراحتی و زحمت کشیدن.

د اعتقاد به تثلیث و نتیجه آن

1 مکالمه در روز قیامت

«وَ إِذْ قالَ اللَّهُ یا عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونی وَ أُمِّیَ إِلهَیْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قالَ سُبْحانَکَ ما یَکُونُ لی أَنْ أَقُولَ ما لَیْسَ لی بِحَقٍّ إِنْ کُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ ما فی نَفْسی وَ لا أَعْلَمُ ما فی نَفْسِکَ إِنَّکَ أَنْتَ عَلاَّمُ الْغُیُوبِ» (116 / مائده)

و هنگامی که خداوند گفت: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی مرا و مادرم

را غیر از خدا دو معبود بگیرید! (عیسی) گفت: تو منزّهی. شایسته من نیست چیزی را

که حقّ من نیست، بگویم. اگر گفته باشم، تو خود آن را شنیده و دانسته ای. تو می دانی آنچه را که در نفس من است و من آنچه را در نفس تو است نمی دانم. همانا تو علام الغیوبی.

درباره آیه فوق که گفتگویی بین خدا و رسولش در روز قیامت است، تفسیر نمونه و تفسیر المیزان مطالب جامعی را ذکر کرده اند:

منظور از «اذ» روز قیامت است. تعبیر قراردادن عیسی و «مادرش» برای اله قراردادن، بهتر از تعبیر عیسی و «مریم» است، زیرا برای مسیحیان یادآور این است که عیسی بدون پدر و تنها از مادر متولد شد که همین اعتقاد باعث مسأله تثلیث شده است. در آیه «مِنْ دُونِ اللّه ِ» آمده است که منظور شریک قائل شدن برای خداست

ص:169

و نه این که به کلّی خدا را قبول نداشتن. در حقیقت وجود خدا را کسی نمی تواند انکار

کند حتّی مشرکینی که به ظاهر منکر خدا هستند حرف بی معنایی می زنند. پس معنای «إِلهَیْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ ِ» این است که دو شریک برای خدا قائل شدند، و نه این که دو اله بودن خدا را قبول داشتند.

عیسی در ابتدای جوابش خود را لایق چنین سخنی که او و مادرش را اله قرار دهند، نمی داند که نشانه «ادب» او مقابل پروردگار است. اگر عیسی علیه السلام در جواب خداوند می گفت که من این کار را نکردم و یا این موضوع را نگفتم معلوم می شد که ممکن بود که چنین حرفی را بزند یا چنین کاری را انجام دهد مثلاً وقتی مولایی به عبدش می گوید: «چرا کاری را که نگفته ام انجام دادی؟» اگر عبد بگوید: «من عاجزتر از آنم که چنین مخالفتی مرتکب شوم» ، سبب چنین کاری را نفی می کند.

ص:170

سپس مسیح به شنوندگان این مفهوم را منتقل می کند که در سخنانش تنها علم خدا را

در نظر می گرفته است و همچنین علم خدا مثل علم پادشاهی نیست که از طریق گزارشات از حال رعیّت آگاه شود و شاید از مطالبی هم ناآگاه بماند بلکه خدا حتّی از نفس ما انسان ها، هم خبر دارد و سپس عیسی برای دفع این توهم که علم خدا تنها به مسیح محدود است می گوید: «إِنَّکَ أَنْتَ عَلاَّمُ الْغُیُوب»(1)

این آیه پیرامون روز قیامت است و این که از فعل «قالَ» که برای زمان ماضی است استفاده شده مشکلی ایجاد نمی کند زیرا اشاره به قطعی بودن قیامت دارد و این نوع استفاده از فعل ماضی در قرآن بسیار دیده شده است. علّت سؤال خداوند این

ص:171

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج6، ص381 الی 385 و388 الی 391.

است که مسیح علیه السلام در برابر امتّش اقرار بگیرد.

*****

مسیح در جواب خود نه تنها گفتن این سخن را از خود نفی می کند بلکه می گوید اساسا من چنین حقّی را ندارم و چنین گفتاری با مقام من هرگز سازگار نیست. (1)

اما با مطالعه این آیه شاید این سؤال مطرح شود که خدا هم جواب سؤالش را می داند و هم عالم است که عیسی چه جوابی به این سؤال می دهد، پس چرا سؤال را مطرح می کند؟ در کتاب «عیسی در قرآن» به این سؤال پاسخ داده شده است:

پس غرض این است که امّت عیسی بدانند که عیسی بی گناه است و راهی را که امّت رفته، چه در انکار توحید و چه در انکار وحی و چه در انکار بعثت عیسی

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 5، ص 134 و 135.

به عنوان فرستاده خدا، ساخته بدعت گذاران است.(1)

*****

2 استکبار

«لَنْ یَسْتَنْکِفَ الْمَسیحُ أَنْ یَکُونَ عَبْداً لِلَّهِ وَ لاَ الْمَلائِکَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ مَنْ یَسْتَنْکِفْ عَنْ عِبادَتِهِ وَ یَسْتَکْبِرْ فَسَیَحْشُرُهُمْ إِلَیْهِ جَمیعاً» (172 / نساء)

مسیح هرگز سرپیچی نمی کند از این که بنده ای برای خدا باشد و فرشتگان مقرّب (نیز سرپیچی نمی کنند) و هر کس از بندگی او سرپیچی کند و گردنکشی کند، پس به زودی تمام آن ها را نزد خود جمع می کند.

1- عیسی در قرآن، آیه اللّه دکتر احمد بهشتی، اطلاعات، ص 320.

استنکاف ورزیدن هم می تواند از روی جهل باشد و هم می تواند به خاطر

*****

لجبازی باشد که به نوع دوم استکبار می گویند. در این آیه هم از واژه «استکبار» استفاده شده است، زیرا کسانی که از عبادت خدا روی می گردانند، از روی جهل و نادانی این عمل را مرتکب نمی شوند بلکه از سر عناد و لجبازی مرتکب آن می شوند. در تفسیر المیزان مطالبی ذیل آیه فوق عنوان شده است:

جماعتی از مشرکین معتقد بودند ملائکه دختران خدایند که در این آیه نفی این موضوع نیز آمده است. تعبیر به «مسیح» و «مقرّبون» برای عیسی و ملائکه بدین علت است که مسیح (یعنی مبارک) از اطاعت خدا سر باز نمی زند و مقرّبین خدا نیز پیرو اویند. «یستکبر» به خاطر این آمده است که عیسی علیه السلام و فرشتگان مقام خدا را می دانند پس اگر بندگی او را نکردند از روی نادانی نیست بلکه از روی

استکبار است.(1)

تفسیر نمونه هم مطالبی راجع به آیه فوق ذکر کرده است:

نکته اول موجود در آیه این است که استنکاف ورزیدن می تواند از روی جهل باشد و می تواند از روی لجبازی و استکبار و این آیه استنکاف از نوع دوم را مشخص می کند. نکته دوم این است که ذکر عدم استنکاف ملائکه یا برای این است که مشخص شود فرشته روح القدس بنده خداست و یا به بت پرستان عرب که فرشتگان را فرزند خدا می دانستند مشخص شود که فرشتگان بندگی خدا را می کردند.(2)

*****

ص:175

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 5، ص 324 و 325.

2- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 4، ص 232 و 233.

«انْظُرْ كَیْفَ نُبَیِّنُ لَهُمُ الْآیاتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّی یُؤْفَکُونَ» (75 / مائده)

بنگر که چگونه برای ایشان نشانه ها را بیان می کنیم. سپس بنگر که کجا به دروغ رانده می شوند.

ابتدای آیه فوق که در این جا ذکر نشده است اشاره دارد به غذاخوردن عیسی و مادرش مریم که یکی از دلایل مشخص کننده نفی الوهیت مسیح است. لذا در ادامه آیه تصریح شده است که نگاه کن نشانه های واضح و روشن را چقدر آشکارا برایتان بیان می کنیم و آن ها به جای قبول کردن نشانه ها و دلایل و تفکّر در آن ها عکس العملی از سر عناد از خودشان بروز می دهند که دلیلی است بر استکبارِ (استنکاف از روی لجبازی) کسانی که به نشانه های الهی بی توجه هستند. آری! با دلایلی که خداوند در ردّ خدایی مسیح می آورد، اگر کسی باز هم به الوهیت عیسی

ص:176

اعتقاد داشته باشد مشخص است که قصد سرپیچی و گردنکشی دارد. در دو تفسیر،

ذیل این قسمت از آیه آمده است که:

در انتهای آیه تکرار «اُنْظُرْ» اشاره به این است که از یکسو در این دلایل روشن بنگر که برای توجه هر کس کافی است و از یک سو به عکس العمل های منفی و حیرت انگیز آن ها بنگر که برای هر کس تعجّب آور است. (1)

در انتهای آیه خداوند می گوید بنگر چطوری برای بطلان ادعایشان بر الوهیت مسیح ظاهرترین دلیل را با واضح ترین بیان برایشان انتخاب کردیم و آن ها چگونه از

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 5، ص 39.

تعقّل و توجّه به آیات، اعراض کردند. (1)

3 هم آهنگ شدن با مشرکین

«وَ قالَتِ الْیَهُودُ عُزَیْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَ قالَتِ النَّصاری الْمَسیحُ ابْنُ اللَّهِ ذلِکَ قَوْلُهُمْ بِأَفْواهِهِمْ یُضاهِؤُنَ قَوْلَ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّی یُؤْفَکُونَ» (30 / توبه)

و یهودیان گفتند: عزیر پسر خداست. و مسیحیان گفتند: مسیح پسر خداست. این است گفتارشان با دهان هایشان هم آهنگ می شوند با گفته کسانی که از قبل کفر

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 6، ص 121.

می ورزیدند. خدا با آن ها جنگ کند. (آن ها را لعنت کند.) به کجا به دروغ رانده می شوند؟

در رابطه با «عُزَیْر» و این که یهودیان او را پسر خدا می دانند مطالبی در دو تفسیر آمده است که توجهتان را به آن ها جلب می کنم.

«عزیر» که در این آیه نامش برده شده است، به زبان عبری «عزرا» خوانده می شود. عزرا دین یهود را تجدید نمود و تورات را بعد از آن که «بخت النصر» آن را از بین برد، به صورت کتابی به رشته تحریر درآورد. بعضی از مفسّرین معتقدند تمام یهودیان معتقد نبودند «عزیر پسر خداست» بلکه عدّه ای از آن ها معتقد بودند ولی چون دیگران با آن مخالفتی نکردند، قرآن در حالت کلّی این اعتقاد را به یهودیان

ص:179

*****

نسبت داده است. (1)

«عُزَیْر» در لغت عرب همان «عِزْرا» در لغت یهود است. مثل عیسی و یحیی که همان یسُوع و یوحنّا است. به خاطر کارهایی که عزیر انجام داد دین یهود برای او اهمیّت خاصّی قائل است و او را «ابنُ اللّه» می خوانند. هر چند در بعضی روایات آمده که آن ها برای احترام این لقب را به عزیر داده اند، ولی در میان مردم، این طرز تفکّر شکل گرفت که واقعا عزیر، پسر خداست، البته تمامی آن ها همچنین اعتقادی نداشتند ولی چون عدّه ای به آن معتقد و عده ای آن را نفی نمی کردند می توان گفت تمامی آن ها به آن معتقد بودند. ولی در مورد مسیحیان باید گفت آن ها واقعا معتقد

1- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 9، ص 372 و 373.

بودند که مسیح فرزند خداست که این از بدعت های نصاری است.(1)

*****

خداوند، این اعتقاد یهود و نصاری را که برای خدا، پسری قائلند، هماهنگ شدن با مشرکان می داند.

در رابطه با تشبیه اعتقادات یهود و نصاری با مشرکین مطالبی در دو تفسیر نمونه و المیزان ذکر شده است.

از جمله «یُضاهِؤُنَ قَوْلَ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ قَبْلُ» فهمیده می شود که یهودیان و نصاری همانند بت پرستانی اند که بت ها را پدر و پسر و الهه مادر و الهه همسر می نامیدند. امروزه مشخص شده اعتقاد آن ها همانند بوداییان و برهمانیان است. (2)

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 7، ص 361 الی 363.
2- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج 9، ص 374.

در ادامه آیه شباهت اعتقاد یهود و مسیح با اعتقاد مشرکان مورد بحث

قرار می گیرد. جمعی از محققین در این رابطه تحقیق کردند و دریافتند که اعتقاد مسیحیان و یهودیان با برهمانیان و بوداییان بسیار نزدیک است. در مجمع البیان آمده که منظور از «قاتَلَهُمُ اللَّهُ » این است که خداوند آن ها را از رحمت خود دور کند.(1)

در آیه 72 / مائده عیسی به بنی اسراییل می گوید که کسانی که به خدا شرک بورزند، خداوند آن ها را از بهشت محروم می کند و جایگاه آن ها دوزخ است.

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قالَ الْمَسيحُ يا بَنى إِسْرائيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّى وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَأْواهُ النَّارُ وَ ما لِلظَّالِمينَ مِنْ أَنْصارٍ» (72 / مائده)

*****

ص:182

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 7، ص 364.

کسانی که گفتند: همانا خداوند همان مسیح پسر مریم است. همانا کفر ورزیدند و مسیح گفت: ای بنی اسراییل خدا را بندگی کنید. (که) پروردگار من و شماست همانا او هر کس را که به خدا شرک ورزد، بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاه او آتش است و برای ستمکاران یارانی نیست.

در تفسیر نمونه ذیل آیه فوق آمده است:

کفری بالاتر از این نیست که خداوند نامحدود از هر جهت را یگانه و متحد بدانیم با مخلوقی که از هر جهت محدود است. در این آیه مسیح برای رفع هرگونه شبهه اذعان می کند که هر کس برای خدا شریک قائل شود، خدا بهشت را بر او حرام کرده است و باز برای تأکید بیشتر شرک را نوعی ظلم دانست و گفت برای ظالمان یاوری نیست(1)

*****

1- تفسیر نمونه، استاد مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ج 5، ص 33.

«کتابنامه»

1 قرآن کریم

2 انجیل عیسی مسیح

3 ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، 20 جلدی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.

4 تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران (معاصر)، 27 جلدی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

5 مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، بانو امین، 15 جلدی، انجمن حمایت از

ص:184

خانواده های بی سرپرست اصفهان.

6 ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، 40 جلدی، انتشارات محمدی.

7 فهرستواره موضوعی تفسیر جوان، محمد بیستونی، 2 جلدی، انتشارات بیان جوان، قم،.

8 عیسی در قرآن، احمد بهشتی، 1 جلدی، انتشارات اطلاعات، تهران.

ص:185

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109